

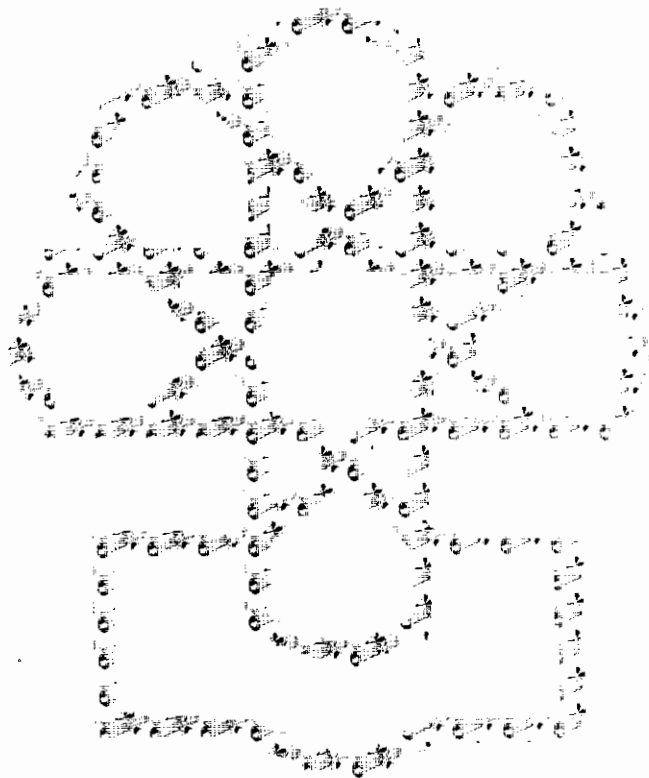
۴۹۴۷

۴۹۴۷

K



قانون اساسی کشورها (۳) سوئیس



کار: دفتر بررسی های حقوقی

معاونت پژوهشی

مرداد ۱۳۷۹

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع رسانی پارلمانی
شماره: ۱۲۵۲۷
تاریخ:

کد گزارش: ۴۱۰۴۹۴۷

بسمه تعالی

قانون اساسی کشورها (۳) - سوئیس

کد گزارش: ۴۱۰۴۹۴۷

پیشگفتار

۱- تاریخچه

کنفدراسیون. به عنوان مولود اتحاد دائمی سال ۱۲۹۱ «والداستاتن»^۱، تا انقلاب فرانسه، صرفاً مجموعه‌ای سست بنیاد از جوامع روستایی و شهری بود. روابط بین ایالت‌های کنفدراسیون قدیم رانه قانون اساسی، که تعدادی از قراردادهای اتحاد تنظیم می‌نمود.

در ۱۲ آوریل سال ۱۷۹۸، در پی اشغال قلمرو کنفدراسیون قدیم از سوی سپاهیان فرانسوی «دیرکتوار»^۲ قراردادهای مزبور جای خود را به قانون اساسی سوئیس که در پاریس و براساس نمونه جمهوری فرانسه تدوین شده بود، سپرد. لیکن نظریه دولت واحد و جمهوری متحد و یکپارچه در سوئیس، از بدو امر مطلقاً بیگانه می‌نمود. پس از گذشت بحران‌های مستمر، پیمان وساطت ۱۹ فوریه سال ۱۸۰۳، علی‌رغم این که از سوی بنیادین تحمیل شده بود، بازگشت به فدرالیسم را نوید می‌داد. اختیارات قدرت مرکزی به سیاست خارجی و حفظ نظم عمومی محدود گردید. بالاترین مرجع کنفدراسیون «دیت»^۳، عبارت بود از کنگره فرستادگان ایالت‌های عضو دولت متحده. لذا «سن گال»، «مناطق گریز و فنر»، «آرگروی»، «تسن» و «دوود» به عنوان ایالت‌های مستقل جدید در کنفدراسیون پذیرفته شدند.

پس از سقوط ناپلئون، سوئیس از قدرت‌های اروپایی درخواست نمود تا استقلال و بی‌طرفی این کشور را به رسمیت بشناسند. کنگره وین در سال ۱۸۱۵ به درخواست فوق پاسخ مثبت داده و در همین زمان سوئیس مناطق متحد سابق خود را بازیافت؛ «واله»، «جمهوری ژنو» و «قلمرو شاهزاده نشین نوشاتل»، به عنوان ایالت‌های مستقل مجدداً به کنفدراسیون پیوستند. بدین ترتیب تعداد ایالت‌ها به ۲۲ ایالت بالغ گردید. ایالت‌های مزبور پیمان فدرال مورخ ۷ اوت سال ۱۸۱۵ را امضا نمودند؛ کنگره فرستادگان سیاسی ایالت‌های عضو دولت متحده وظایف مشترکی را که مجدداً از سوی ایالت‌ها به آن واگذار شده بود، عهده دار گشت و از ایجاد قدرت مرکزی با اختیارات بسیار گسترده امتناع گردید. اختیارات کنفدراسیون به حفظ نظم عمومی، سیاست خارجی و روابط دیپلماتیک با دول بیگانه محدود گشت.

واژه بازسازی مشخصه سال‌های ۱۸۱۵ تا ۱۸۳۰ است چراکه بخش اعظم فعالیت‌های دولت مصروف ایجاد نهادهای اساسی ایالتی شده بود، نهادهایی که تا سر حد امکان براساس شرایط حاکم در دوران پیش از انقلاب برنامهریزی گردیده بودند.

انقلاب ژوئیه سال ۱۸۳۰ فرانسه موجب ایجاد جنبش لیبرال در سوئیس گردید. این امر آغاز دوران

۱. (Waldstätten) عبارت است از مجموع چهار ایالت «شوییز»، «اودی»، «آتروولد» و «لوسرن». [مترجم]

۲. دولتی که حاکمیت فرانسه را از زمان لغو کنوانسیون ۱۲۶ کتبر سال ۱۷۹۵ تا کودتای ۹ نوامبر سال ۱۷۹۹ برعهده داشت. تاریخ حکومت مزبور به سه دوره که با دو کودتا از هم جدا می‌شوند، تقسیم می‌شود. این کودتاها عبارتند از: کودتاهای ۴ سپتامبر در سال ۱۷۹۷ و ۱۸ ژوئن سال ۱۷۹۹. [مترجم]

3. La Diète.

بازسازی به شمار می‌رود چرا که نمایانگر تجدید حیات عمومی است. لذا، اغلب قوانین اساسی ایالت‌ها، در راستای تقویت اصول زیربنایی حاکمیت مردم و دموکراسی پارلمانی، به وضوح مورد اصلاح قرار گرفت. قوانین اساسی جدید، به‌خصوص قوانین اساسی ایالت‌های بزرگ تا حدودی مغایر پیمان فدرال سال ۱۸۱۵ بود و در نتیجه بازنگری پیمان مزبور و تقویت فوری قدرت مرکزی لازم به نظر می‌رسید. در اواخر سال ۱۸۳۲ «دیت» طرحی برای بازنگری پیمان تدوین نمود که پذیرفته نشد و در خلال سال‌های آتی مجمع مزبور عرصه بروز تفرقه‌های شدید داخلی گردید. در تاریخ ۱۶ اوت سال ۱۸۴۷ سیزده ایالت توافق نمودند کمیسیونی را به منظور تهیه طرح جدید بازنگری تعیین نمایند. پیش از پایان این کار جنگ سوندرلاند^۱ در سال ۱۸۴۷ (از ۱۳ تا ۲۵ نوامبر ۱۸۴۷) آغاز گردید. به محض خاتمه مخاصمات، تعداد اعضای کمیسیون باغل بر ۲۳ عضو گردید و در ماه مه سال ۱۸۴۸ «دیت» موفق شد بحث پیرامون طرح جدید قانون اساسی را آغاز نماید. در تاریخ ۲۷ ژوئن سال ۱۸۴۸ کمیسیون کارهای خود را به اتمام رساند و متن نهایی طرح را به ایالت‌ها ارسال و درخواست نمود نظرات مثبت یا منفی خود را تا اول سپتامبر اعلام نمایند. در تاریخ ۱۲ سپتامبر سال ۱۸۴۸ کمیسیون موفق به اعلام تصویب طرح از سوی ۱۵ ایالت و یک شهرستان گردید و لذا تصویب قانون اساسی جدید را - که اصول آن کماکان بدون هیچ تغییری مورد اجراست - اعلام و بلافاصله آن را لازم‌الاجرا نمود.

پذیرش قانون اساسی فدرال نشانگر گذر از کنفدراسیونی با ۲۵ دولت، که صرفاً پیوندهای ضعیفی آنها را به هم مرتبط ساخته بود به یک دولت فدرال واقعی است که قدرت مرکزی آن از اختیارات بسیار گسترده‌ای برخوردار است.

سال‌های نخستین دولت جدید به اجرای قانون اساسی سال ۱۸۴۸ و تصویب قوانین اجرائی اختصاص یافت. اولین تلاش‌ها در جهت بازنگری مقررات قانون اساسی در سال ۱۸۶۴ صورت گرفت و دو سال بعد، در سال ۱۸۶۶، از مردم و ایالت‌ها درخواست نه طرح بازنگری به نحو توأمان نظرخواهی شد که فقط یکی از طرح‌ها (طرح مقررات مربوط به یکسان‌سازی یهودیان و مسیحیان سونیس در خصوص اقامت) به تصویب رسید.

بیست سال پس از لازم‌الاجرا شدن قانون اساسی بازنگری بنیادین مفاد آن الزامی می‌نمود. از سوی ایالت‌هایی که، در این اثنا، حقوق عمومی رگسترش داده بودند، سریعاً خواستار اصلاح قانون اساسی گردیدند و از سوی دیگر تحولات بین‌المللی به‌ویژه جنگ فرانسه - آلمان در سال‌های ۱۸۷۰-۱۸۷۱، به وضوح نشان می‌داد که تقویت اختیارات قدرت مرکزی لازم است. لذا تلاش‌های عظیمی جهت بازنگری کلی قانون اساسی سال ۱۸۴۸ صورت گرفت. مع ذلک اولین طرح در تاریخ ۱۲ ماه مه سال ۱۸۷۲ رد شد و دومین طرح ضمن تمایل کمتری به تمرکز بخشی، در ۱۹ آوریل سال ۱۸۷۴ امکان دستیابی به هدف را فراهم نمود. در تاریخ ۱۹ آوریل سال ۱۸۷۴ مجلس فدرال قانون اساسی را که کاملاً مورد بازنگری قرار گرفته بود، به اجرا گذاشت. از این تاریخ به بعد قانون اساسی هرگز به‌طور کامل بازنگری نشد لکن بازنگری‌های جزئی بسیاری از آن را با شرایط موجود تطبیق داد.

۱. در سال ۱۸۴۴ هفت ایالت کاتولیک نشین سونیس - سورن، اوری، شونیز، آنتروالد، زوک، فریبورگ، واله، ناخشوند از تعطیلی معابد و سیاست خصمانه دولت علیه یسوعیان، پیمان جدایی طائفه‌ای را امضا نمودند که «دیت» (در سال ۱۸۴۷) آن را لغو نمود. انفا مزبور پس از نبردی سه هفته‌ای به فرماندهی ژنرال دوفور صورت گرفت. [مترجم]

۲- خطوط مهم قانون اساسی فدرال

قانون اساسی ۲۹ مه ۱۸۷۴ متشکل از یک مقدمه و ۱۲۳ اصل است که تعدادی از مقررات انتقالی با اعتبار محدود به این اصول افزوده می‌شود.

مجموعه قانون اساسی فعلی، متشکل از ۱۲۳ اصل و بیش از ۵۰ اصل الحاقی، به سه فصل به شرح ذیل تقسیم می‌شود: مقررات کلی، ارکان فدرال و بازنگری قانون اساسی فدرال.

مقدمه، پس از ذکر نام خدای متعال، تصریح می‌کند که کنفدراسیون، «ضمن تمایل به تحکیم اتحاد ایالت‌های تحت پوشش، حفظ و گسترش اتحادیه، قدرت و افتخار ملت سوئیس» قانون اساسی فعلی را تصویب نموده است.

فصل اول تحت عنوان «مقررات کلی» شامل مقررات مربوط به شئون مختلف حیات اجتماعی است. مع ذلک مقررات تعیین کننده حدود اختیارات کنفدراسیون و ایالت‌ها و نیز مقرراتی که ضمن ارائه فهرست حقوق فردی، روابط بین دولت و فرد را، نیز تعریف می‌کنند، اساس این فصل را تشکیل می‌دهد. در این فصل به مقررات مربوط به حقوق شهرنشینی، دستورات خاص تأمین از جمله حمایت از حیوانات و همچنین اصول مختلفی پیرامون اجرای عدالت برمی‌خوریم. درخصوص محدوده اختیارات کنفدراسیون و ایالت‌ها شایان ذکر است که کنفدراسیون صرفاً دارای اختیاراتی است که قانون اساسی صریحاً به آن تفویض نموده است.

مقررات صلاحیتی کنفدراسیون خصوصاً در موارد ذیل تدوین می‌شود:

سیاست خارجی و امور نظامی، سیاست اقتصادی، حفاظت از طبیعت و مراعات، قانون‌گذاری در مسائل اجتماعی، سرمایه‌گذاری و گمرک، حقوق مدنی و حقوق کیفری، امنیت بیگانگان و امنیت بهداشتی. بسیاری از این اختیارات در طول زمان به کنفدراسیون تفویض شده و لذا در قانون اساسی به عنوان اصول الحاقی نامیده شده و با واژگان لاتین معادل مکرر ۱-، مکرر ۲-، مکرر ۳- و غیره مشخص شده‌اند. بسیاری از اصول الحاقی شاهدهی بر اصلاحات زیاد وارد بر قانون اساسی است که از سال ۱۸۷۴ به بعد، به منظور انطباق قانون اساسی با تحولات موجود، اعمال گردیده‌اند.

در میان آزادی‌های فردی که قانون اساسی به صراحت آنها را تضمین نموده است باید از آزادی تجارت و صنعت، آزادی اقامت، آزادی عقیده و مذهب، آزادی مطبوعات و آزادی برگزاری اجتماعات نام برد. مع ذلک علاوه بر موارد مذکور شایسته است که از حق مالکیت، حق ازدواج، حق اقامه دادخواست و رسیدگی به دعوی در محاکم عادی نیز نام برده شود. با وجود این لازم است کلیه حقوق مذکور در چارچوب نظم قضائی اعمال گردد زیرا در جوامع کاملاً آزاد نیز، کسی نمی‌تواند مدعی برخورداری از آزادی مطلق شود.

فصل دوم، که به ارکان فدرال تخصیص یافته است (اصل هفتاد و یکم به بعد)، مقررات مربوط به شورای ملی، شورای دول و مجلس فدرال به عنوان قوه مقننه کنفدراسیون، شورای فدرال به عنوان، رکن اداری و اجرائی و همچنین دادگاه فدرال را، به عنوان مأمور اجرای عدالت، در بر می‌گیرد.

اصل صد و پنجم مربوط به مهاداری فدرال است، که رابط بین پارلمان و شورای فدرال محسوب می‌شود.

سومین و آخرین فصل شامل مقررات مربوط به بازنگری قانون اساسی است. قانون اساسی خود میان

بازنگری کلی و جزئی تمیز قائل شده و روش بازنگری، مجری و تصمیم گیرنده این امر را نیز به دقت معین نموده است.

۳- بازنگری قانون اساسی فدرال

در ۸ سپتامبر سال ۱۹۳۵ ملت با اکثریت قاطع طرح بازنگری کلی قانون اساسی را رد کرد. در سال‌های اخیر نیز تلاش‌های جدیدی در این راستا صورت گرفت. همکاری کمیته عدالت و امنیت فدرال با پارلمان در سال ۱۹۶۷ مأموریت تدوین پیشنهادهایی جهت بازنگری کلی را به یک گروه کاری به رهبری آقای اف. تی. واهلن، مشاور سابق فدرال، واگذار نمود. گروه مزبور از تعداد زیادی از مقامات عالی‌رتبه، سازمان‌ها و نهادها دعوت کرد تا در مورد نتایج کار گروه اظهار نظر نمایند. در سال ۱۹۷۰ پاسخ‌های مزبور - به عنوان بخشی از مطالعات وسیع گروه‌های کاری ایالت‌ها - در چهار جلد به چاپ رسید. گروه کاری واهلن در سال ۱۹۷۲ کار بررسی و به اجرا درآوردن اسناد مزبور را به اتمام رساند. گزارش نهایی کار گروه مزبور در سال ۱۹۷۳ منتشر گردید. در مرحله دوم کمیته عدالت و امنیت در تاریخ ۸ ماه مه سال ۱۹۷۴ هیئتی متشکل از ۴۶ متخصص به رهبری آقای ک. فورگلر، مشاور فدرال، را مأمور تهیه طرح بازنگری کلی نمود. نتیجه کار این هیئت به ارائه طرح بازنگری کلی قانون اساسی فدرال با بیان انگیزه‌های آن در دسامبر سال ۱۹۷۷ منجر گردید. طرح مذکور در سال ۱۹۷۸ چاپ و تا پایان ژوئن سال ۱۹۷۹ به مشورت گذارده شد. نتایج مشورت‌ها پس از تجزیه و تحلیل کمیته عدالت و امنیت فدرال در سال ۱۹۸۰ به چاپ رسید. امروزه ما طرحی اصلاح شده در اختیار داریم. طبق خطوط اساسی سیاست دولت در سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۸۷، شورای فدرال گزارشی پیرامون بازنگری کلی قانون اساسی برای مجلس فدرال تهیه و ضمن آن پیشنهاد نمود که مجلس مزبور امکان تدوین بیانیه را برای شورا فراهم نماید. گزارش مذکور، مورخه ۶ نوامبر سال ۱۹۸۵، در تاریخ ۳ دسامبر سال ۱۹۸۵ در نشریه فدرال به چاپ رسید (نشریه فدرال سونیس سال ۱۹۸۵، دوره سوم شماره ۱). در تاریخ ۳ ژوئن سال ۱۹۸۷ (نشریه فدرال سونیس دوره دوم شماره ۹۹۷) مجلس فدرال با صدور مصوبه‌ای تصمیم بازنگری قانون اساسی سال ۱۸۷۴ را اعلام و شورای فدرال را مأمور ارائه طرح قانون اساسی جدید نمود.

تقریباً هر سال طرح‌هایی در خصوص بازنگری‌های جزئی در قانون اساسی به آرای عمومی گذاشته می‌شود. از سال ۱۸۷۴ به بعد ملت و ایالت‌ها ۱۳۰ طرح بازنگری جزئی را تصویب و طرح‌های بازنگری زیادی را نیز رد کرده‌اند.

از سال ۱۸۹۱ طرح‌های ابتکار عمومی زیادی بازنگری جزئی در قانون اساسی را خواستار شده و ۱۹۹ طرح ابتکار عمومی از این نوع ارائه گردیده است و علی‌رغم این که بخش اعظم آنها در همه پرسش‌ها رد شده یا بازپس گرفته شده‌اند. مع هذا این امر نشانه آن است که طومارهای این چنینی اغلب شوراهای و مجلس فدرال را ملزم به اجرای اصلاحاتی نموده‌اند که در غیر این صورت انجام نمی‌شد یا خیلی دیر انجام می‌شد. مهرباری فدرال سونیس

قانون اساسی فدرال کنفدراسیون سوئیس

(مصوب ۲۹ مه ۱۸۷۴)

به نام خداوند قادر متعال

کنفدراسیون سوئیس، به منظور استحکام اتحاد کنفدراسیون و حفظ و تقویت وحدت، قدرت و افتخار ملت سوئیس، قانون اساسی فدرال ذیل را تصویب نمود.

فصل اول - مقررات کلی

اصل اول

مردم ساکن بیست و سه ایالت مستقل سوئیس، به موجب این پیمان با یکدیگر متحد می‌گردند و کنفدراسیون سوئیس مرکب از ایالت‌ها: زوریخ، برن، لوسرن، اوری، شوویز، آنتروالد (علیا و سفلی)، گلاریس، زوگ، فریبورگ، سولورن، یال (شهر و حومه)، شافهوز، آپنزل (هر دو بخش رُد) سن گال، گریزون، آرگووی، تورگووی، تسن، وود، واله، نوشاتل، ژورا و ژنورا تشکیل می‌دهند.

اصل دوم

هدف از تشکیل کنفدراسیون تضمین استقلال کشور در برابر کشورهای بیگانه، حفظ نظم و آرامش داخلی، حمایت از آزادی و حقوق دول عضو و افزایش موفقیت‌های مشترک آنهاست.

اصل سوم

ایالت‌ها، مستقل هستند به این معنا که قانون اساسی فدرال استقلال آنها را محدود نمی‌نماید و بر همین اساس، حقوقی را که به دولت فدرال واگذار نگردیده است، اعمال می‌نمایند.

اصل چهارم

همه مردم سوئیس در برابر قانون مساوی هستند، در کشور سوئیس برده‌ای وجود ندارد و موقعیت جغرافیایی، نژاد، افراد یا خاندان‌ها دارای برتری نیستند.

زن و مرد در حقوق با هم برابر بوده و قانون امکان برابری، به ویژه در

زمینه خانواده، آموزش و کار، را فراهم می‌آورد. زنان و مردان برای انجام کار یکسان از دستمزد مساوی برخوردارند.

اصل پنجم

کنفدراسیون حقوق ایالت‌ها را در مورد سرزمین و استقلال‌شان در محدوده اصل سوم این قانون و نیز، قوانین اساسی آنها و آزادی و حقوق مردم و حقوق اساسی شهروندان و حقوق و اختیاراتی که مردم به مقامات ذی صلاح واگذار کرده‌اند، را تضمین می‌نماید.

اصل ششم

۱- ایالت‌ها می‌توانند خواستار تضمین قانون اساسی خود از سوی کنفدراسیون گردند.

۲- کنفدراسیون چنین تضمینی را می‌دهد، مشروط بر این که:

الف- قوانین اساسی ایالت‌ها هیچ گونه مغایرتی با مفاد قانون اساسی فدرال نداشته باشد؛

ب- قوانین اساسی ایالت‌ها اعمال حقوق سیاسی را بر اساس نوع جمهوری پارلمانی یا دمکراتیک - تضمین نمایند؛

پ- مردم قانون اساسی ایالت محل اقامت خود را پذیرفته باشند و در صورت درخواست اکثریت مطلق شهروندان، قانون اساسی مزبور قابل بازنگری باشد.

اصل هفتم

۱- هرگونه اتحاد جداگانه یا معاهده سیاسی بین ایالت‌ها ممنوع است.
۲- در مقابل، ایالت‌ها حق دارند نسبت به انعقاد قراردادهای فی مابین در زمینه‌های قانون‌گذاری امور اداری و دادگستری اقدام نمایند؛ مع ذلک لازم است ایالت‌ها این موارد را به اطلاع مقامات مسئول فدرال برسانند و چنانچه این قراردادها شامل موارد مخالف با کنفدراسیون یا مغایر با حقوق سایر ایالت‌ها باشد، مقامات مزبور می‌توانند از اجرای آنها ممانعت به عمل آورند. در غیر این صورت، ایالت‌ها حق دارند خواستار همکاری مقامات مسئول فدرال جهت اجرای این قراردادها شوند.

اصل هشتم

کنفدراسیون دارای حق انحصاری اعلان جنگ، برقراری صلح و انعقاد پیمان‌ها و معاهدات با کشورهای خارجی و به‌ویژه معاهدات مربوط به حقوق گمرکی و تجارت است.

اصل نهم

در موارد خاص، ایالت‌ها از حق انعقاد معاهده با کشورهای خارجی در زمینه‌های مربوط به اقتصاد دولتی، مرادات مرزی و مقررات امنیتی برخوردارند؛ لکن معاهدات مزبور نباید مخالف با کنفدراسیون، یا مغایر با حقوق سایر ایالت‌ها باشد.

اصل دهم

۱- روابط رسمی بین ایالت‌ها و یک دولت خارجی یا نمایندگان آنها از مجرای شورای فدرال برقرار می‌گردد.

۲- مع ذلک ایالت‌ها می‌توانند در زمینه‌های مطروحه در اصل پیشین با مسئولین دون پایه و کارمندان دولتی بیگانه مستقیماً مکاتبه نمایند.

اصل یازدهم

عقد قراردادهای نظامی ممنوع است.

اصل دوازدهم

۱- هیچ یک از مقامات فدرال، مقامات رسمی کشوری و لشکری، نمایندگان و مأموران عالی‌رتبه کنفدراسیون، اعضای دول و مجالس قانون‌گذاری ایالت‌ها مجاز به دریافت مقرری، حقوق، لقب، هدیه، یا نشان افتخاری از یک دولت خارجی نیستند.

۲- هر فرد برخوردار از مقرری فوق یا دارنده عنوان یا نشان افتخاری سابق الذکر چنانچه پیش از اشتغال در سمت‌های نمایندگی یا اجرائی، به صراحت از دریافت مقرری یا عنوان اجتناب ننماید یا نشان افتخار را عودت ندهد، نمی‌تواند به عنوان مسئول عالی‌رتبه فدرال، مسئول کشوری یا لشکری کنفدراسیون، نماینده یا مأمور عالی‌رتبه فدرال، یا به عنوان عضو دولت یا مجلس یکی از ایالت‌ها انتخاب یا به این سمت‌ها منصوب شود.

۳- در ارتش سوئیس هیچ مدال یا عنوان اعطایی از سوی یک دولت خارجی نباید مورد استفاده قرار گیرد.

۴- هیچ یک از افسران، درجه داران یا سربازان، حق دریافت این گونه امتیازات را ندارند.

مقررات انتقالی: اگر کسی قبل از لازم الاجرا شدن اصل بازنگری شده دوازدهم نشان افتخار یا عنوانی دریافت کرده باشد می تواند به عنوان یکی از مسئولین عالیرتبه فدرال یا مقام کشوری یا لشکری کنفدراسیون، نماینده یا مأمور فدرال، عضو دولت یا مجلس قانون گذاری یکی از ایالت ها، انتخاب و به این سمت ها منصوب گردد، مشروط بر آن که در مدت اشتغال در مسئولیت های فوق از نشان مزبور استفاده ننماید. نقض تعهد مزبور موجب انفصال وی از سمت های نمایندگی یا اجرایی خواهد بود.

اصل سیزدهم

- ۱- کنفدراسیون از حق داشتن ارتش دائمی برخوردار نیست.
- ۲- هیچ ایالت یا شهرستانی نمی تواند، بدون اجازه دولت فدرال، ارتش دائمی بیش از سیصد نفر در اختیار داشته باشد؛ ژاندارمری از این محدودیت مستثنی است.

اصل چهاردهم

در صورت بروز اختلاف بین دو ایالت، دول مزبور از هرگونه اقدام و توسل به نیروی نظامی اجتناب و از تصمیم متخذه براساس دستورات فدرال درخصوص اختلاف فوق پیروی خواهند نمود.

اصل پانزدهم

چنانچه ایالت ها از سوی یک کشور خارجی در معرض خطر قرار گیرد، دولت ایالت مورد تهدید موظف است از دول عضو کنفدراسیون استمداد و بلافاصله مقامات ذی صلاح فدرال را از این امر آگاه نماید و هیچ چیز نباید تدابیر متخذه ایشان را خدشه دار سازد. ایالت های مورد استمداد موظفند کمک های لازم را ارائه نمایند. هزینه های مربوط به کمک رسانی به عهده کنفدراسیون است.

اصل شانزدهم

۱- در مورد ناآرامی داخلی، یا بروز خطر از سوی یکی از ایالت ها دولت ایالت مورد تهدید باید بلافاصله شورای فدرال را از این امر آگاه نماید تا شورا بتواند، در محدوده اختیارات خود طبق (بندهای سوم، دهم و یازدهم. اصل صد و دوم). اقدامات لازم را به عمل آورد یا مجلس فدرال را دعوت به تشکیل جلسه نماید. در موارد اضطراری دولت مجاز است ضمن اطلاع دادن به شورای فدرال از دول دیگر که موظف به ارائه کمک هستند استمداد نماید.

۲- چنانچه دولت ایالت در موقعیتی نباشد که بتواند درخواست کمک نماید، مقامات مسئول فدرال می توانند بدون دریافت درخواست کمک دولت ایالت مورد نظر مداخله نمایند؛ مقامات مسئول فدرال، در صورت در خطر بودن امنیت سوئیس، موظف به مداخله هستند.

۳- مقامات مسئول فدرال در موارد مداخله باید مفاد اصل پنجم را لحاظ نمایند.

۴- هزینه های مربوط به عهده ایالتی است که استمداد نموده یا موجب دخالت دولت فدرال شده است، مگر این که مجلس فدرال با توجه به شرایط خاص، تصمیم دیگری اتخاذ نماید.

اصل هفدهم

در موارد مذکور در دو اصل پیشین هر ایالت موظف است مجوز عبور آزادانه نیروهای نظامی را از خاک خود صادر نماید. نیروهای مزبور بلافاصله باید تحت امر فرماندهی فدرال قرار گیرد.

اصل هجدهم

۱- هر فرد سوئسی موظف است خدمت نظام وظیفه را انجام دهد. تشکیل سازمان خدمت کشوری به

موجب قانون خواهد بود.

۲- نظامیانی که در حین خدمات نظامی فدرال کشته یا برای همیشه دچار معلولیت می‌شوند، در صورت نیاز خود و خانواده دارای حق برخورداری از کمک‌های کنفدراسیون هستند.

۳- هر سربازی به‌طور رایگان سلاح اولیه، تجهیزات و پوشاک دریافت می‌نماید. اسلحه باید تحت شرایطی که مجموعه قوانین فدرال تعیین می‌نماید، نزد سرباز باقی بماند.

۴- ایالت‌ها براساس مقررات مجموعه قوانین فدرال مالیات معافیت از خدمت سربازی را دریافت و به حساب کنفدراسیون منظور می‌نمایند.

اصل نوزدهم

۱- ارتش فدرال مرکب است از:

الف- واحدهای نظامی ایالت‌ها؛

ب- کلیه شهروندان سوئسی که جزو نیروهای مذکور نیستند لکن موظف به انجام خدمت نظام وظیفه‌اند.

۲- کنفدراسیون از حق داشتن ارتش و همچنین تجهیزات جنگی پیش‌بینی شده در قانون، برخوردار است.

۳- در زمان خطر، کنفدراسیون حق فرماندهی انحصاری و مستقیم افرادی که جزء ارتش فدرال نیستند و اداره کلیه منابع نظامی ایالت‌ها را نیز داراست.

۴- ایالت‌ها در نتیجه عدم اعمال محدودیت از سوی قوانین فدرال یا قانون اساسی، از حق داشتن نیروهای نظامی منظمه‌ای برخوردارند.

اصل بیستم

۱- کنفدراسیون از صلاحیت قانون‌گذاری به منظور سازماندهی ارتش برخوردار است. مسئولین عالی‌رتبه ایالت‌ها، قوانین نظامی را در حوزه قانون‌گذاری فدرال و تحت نظارت کنفدراسیون، در ایالت‌ها اجرا می‌نمایند.

۲- کلیه آموزش‌های نظامی و نیز تسلیح نیروها، به عهده کنفدراسیون است.

۳- تدارک و نگهداری لباس و تجهیزات از وظایف ایالت‌هاست، لکن براساس مقرراتی که دستگاه قانون‌گذاری فدرال تدوین می‌نماید، کنفدراسیون هزینه‌های موارد مذکور را بین ایالت‌ها توزیع می‌کند.

اصل بیست و یکم

۱- واحدهای نظامی یک ایالت، در صورت عدم تغایر با ملاحظات نظامی، از میان نظامیان همان ایالت تشکیل می‌گردد.

۲- ترکیب این واحدها، توجه به حفظ قدرت مؤثر آنها، انتصاب و ترفیع افسران به موجب دستورالعمل‌های کلی که کنفدراسیون ابلاغ می‌نماید به ایالت‌ها مربوط می‌شود.

اصل بیست و دوم

۱- کنفدراسیون حق دارد ضمن پرداخت غرامت عادلانه از زمین‌های مربوط به رژه و ساختمان‌های نظامی و متعلقات آنها در خاک یک ایالت استفاده نماید یا آنها را به تملک خویش درآورد.

۲- مجموعه قوانین فدرال شرایط و نحوه پرداخت غرامت را تعیین می‌نماید.

اصل بیست و دوم - مکرر - ۱

۱- کنفدراسیون از صلاحیت قانون‌گذاری درخصوص دفاع شهری از افراد و اموال در قبال پیامدهای جنگ

برخوردار است.

۲- هنگام تدوین قوانین اجرائی، ایالت‌ها مورد مشورت واقع می‌شوند و مسئولیت اجرای قوانین مزبور را، تحت نظارت دقیق کنفدراسیون، به عهده دارند.

۳- یارانه‌ای را که کنفدراسیون برای هزینه‌های ناشی از دفاع شهری پرداخت می‌کند به موجب قانون تعیین می‌گردد.

۴- کنفدراسیون با وضع قانون مجاز به تدوین خدمت اجباری برای مردان است.

۵- زنان می‌توانند داوطلبانه در دفاع شهری شرکت جویند؛ قانون نحوه اجرای این امر را تعیین می‌کند.

۶- جبران خسارت، بیمه و کمک هزینه خسارات وارده به درآمدهای کسانی که در دفاع شهری شرکت می‌جویند، به موجب قانون تعیین می‌گردد.

۷- نحوه به کارگیری سازمان‌های دفاع شهری در وضعیت اضطراری را قانون تعیین می‌کند.

اصل بیست و دوم - مکرر - ۲

۱- مالکیت تضمین می‌شود.

۲- کنفدراسیون و ایالت‌ها در حد اختیاراتی که قانون اساسی به آنها واگذار کرده است، از طریق وضع قانون و در جهت منافع عمومی اقدام به مصادره و ایجاد محدودیت در تملک اموال می‌نمایند.

۳- در صورت مصادره یا محدودیت مشابه مصادره اموال، جبران خسارت عادلانه الزامی است.

اصل بیست و دوم - مکرر - ۳

۱- کنفدراسیون از طریق قانونی اصول قابل اجرا در طرح‌های تنظیم خطوط مرزی را ابلاغ و ایالت‌ها را، به منظور استفاده حقوقی از خاک و اشغال منطقی سرزمین، موظف به اجرای آن می‌نماید.

۲- کنفدراسیون فعالیت‌های ایالت‌ها را تشویق، هماهنگ و با آنان همکاری می‌نماید.

۳- کنفدراسیون در اجرای وظایف خویش نیازهای توسعه ملی، منطقه‌ای و محلی کشور را لحاظ می‌کند.

اصل بیست و سوم

۱- کنفدراسیون می‌تواند دستور اجرای طرح‌های مهم عمرانی ملی را که در راستای منافع سوئیس هستند صادر یا با ارائه یارانه اجرای طرح‌های مزبور را تشویق نماید.

۲- بدین منظور کنفدراسیون می‌تواند در ازای پرداخت غرامت عادلانه، نسبت به مصادره اموال اقدام کند. دستگاه قانون‌گذاری فدرال مقررات بعدی را در این زمینه وضع خواهد کرد.

۳- مجلس فدرال می‌تواند اجرای طرح‌های عمرانی ملی را که مخالف منافع نظامی کنفدراسیون باشد ممنوع نماید.

اصل بیست و سوم - مکرر - ۱

۱- کنفدراسیون از سیلوهای گندم که وجود آنها برای تدارکات کشور لازم است، حفظ و نگهداری می‌نماید. کنفدراسیون می‌تواند آسیابداران را به ذخیره سازی گندم و به منظور تسهیل جایگزین سازی، به خرید گندم اقبال شده از قبل ملزم نماید.

۲- کنفدراسیون کاشت گندم را در داخل کشور تشویق و انتخاب و همچنین خرید بدور داخلی، انتخاب و دستیابی به دانه‌های کاشت داخلی با کیفیت بالا را تسهیل می‌کند. کنفدراسیون گندم کاشت داخل و با کیفیت خوب و قابل آسیاب کردن را به قیمتی که تولید را امکان‌پذیر نماید خریداری می‌کند. آسیابداران می‌توانند

اقدام به باز خرید گندم تا سقف کل بهای پرداختی از سوی کنفدراسیون نمایند.

۳- کنفدراسیون اقداماتی را در جهت حفظ صنعت ملی آسیاب و همچنین حمایت از منافع مصرف کنندگان آرد و نان به عمل می آورد. کنفدراسیون در محدوده اختیارات خود بر تجارب و قیمت گندم، آرد نانوائی و نان نظارت می کند. کنفدراسیون تدابیر لازم را به منظور تنظیم مقررات واردات آرد اخذ و می تواند حق انحصاری واردات این فرآورده را برای خود حفظ نماید. به منظور کاهش هزینه حمل و نقل در داخل کشور، کنفدراسیون تسهیلاتی را در صورت نیاز، به آسیابداران اعطا می کند. کنفدراسیون تدابیری را در جهت یکسان نمودن بهای آرد در سراسر کشور به نفع مناطق کوهستانی اتخاذ می نماید.

۴- عایدات حاصل از عوارض گمرکی گندم در جهت جبران هزینه های تدارک غلات کشور به مصرف می رسد.

اصل بیست و چهارم

۱- کنفدراسیون حق نظارت عالی بر امنیت سیل بندها، موج شکن ها و جنگل ها را داراست.

۲- کنفدراسیون به کارهای مربوط به اصلاح مسیر رودها و احداث سیل بند و همچنین توسعه جنگل ها در سرچشمه رودها عنایت دارد. کنفدراسیون قوانینی را در جهت نگهداری طرح های عمرانی مذکور و نیز جنگل های موجود وضع می کند.

اصل بیست و چهارم - مکرر - ۱

۱- به منظور استفاده منطقی و حمایت از منابع آبی و همچنین به منظور مبارزه با جریانات زیانبار آب، کنفدراسیون با توجه به مجموعه اقتصاد آبی، از طریق قانون گذاری، اصولی را که پاسخگوی منافع عمومی در موارد ذیل باشد تدوین می نماید:

الف- حفظ آب ها و هدایت آنها به ویژه به منظور تهیه آب قابل شرب و همچنین غنی سازی آب های زیرزمینی؛

ب- استفاده از آب برای تولید انرژی و سرمایه؛

پ- تنظیم سطوح و میزان آب های سطحی و زیرزمینی، انحراف آب از جریان طبیعی خود، آبیاری و زهکشی و همچنین اقدامات دیگر در چرخه آب.

۲- در راستای همین اهداف، کنفدراسیون مقرراتی را پیرامون موارد ذیل وضع می نماید:

الف- حفاظت از آب های سطحی و زیرزمینی از آلودگی و نگهداری میزان آب در حداقل مناسب؛

ب- امنیت سیل بندها به همراه تصحیح مسیر رود و امنیت بندها؛

پ- دخالت در جهت تأثیر بر نزولات جوی؛

ت- تحقیق و به ثمر رساندن داده های هیدرو لژییک؛

ث- حق کنفدراسیون در زمینه جستجوی منابع آبی لازم برای مؤسسات حمل و نقل و ارتباطات خود، از طریق پرداخت عوارض و جبران کاستی ها.

۳- به موجب حقوق خصوصی، ایالت ها یا افراد ذی نفعی که قانون ایالت تعیین می کند حق در اختیار گرفتن منابع آبی و دریافت عوارض استفاده از آنها، را دارند. ایالت ها در چارچوب مجموعه قوانین فدرال عوارض مزبور را تعیین می نمایند.

۴- چنانچه واگذاری یا اعمال حقوق آبی به روابط بین المللی مربوط شود، کنفدراسیون با همکاری

ایالت‌های ذی نفع تصمیم‌گیری می‌کند. این امر در مورد روابط بین ایالت‌ها، هنگامی که ایالت‌های ذی نفع به توافق نرسند، نیز مصداق دارد. در روابط بین دول، کنفدراسیون پس از استماع نظرات ایالت‌های ذی نفع، عوارضی را تعیین می‌کند.

۵- اجرای دستورالعمل‌های فدرال به عهده ایالت‌هاست، مشروط بر این که قانون این حق را به کنفدراسیون واگذار نکرده باشد.

۶- کنفدراسیون در جریان اعمال اختیارات خود به نیازها توجه نموده و امکانات توسعه مناطق آب خیز و ایالت‌های مورد بحث را حفظ می‌کند.

اصل بیست و چهارم - مکرر - ۲

کنفدراسیون از صلاحیت قانون‌گذاری در زمینه دریاوردی برخوردار است.

اصل بیست و چهارم - مکرر - ۳

۱- کنفدراسیون از حق وضع مقررات قانونی در مورد انتقال و توزیع انرژی برق برخوردار است.

۲- انرژی ناشی از نیروی آب فقط با مجوز کنفدراسیون به کشورهای بیگانه صادر می‌شود.

اصل بیست و چهارم - مکرر - ۴

۱- کنفدراسیون از صلاحیت قانون‌گذاری در زمینه انرژی اتمی برخوردار است.

۲- کنفدراسیون دستورالعمل‌هایی در زمینه اقداماتی علیه خطرات تشعشعات هسته‌ای صادر می‌نماید.

اصل بیست و چهارم - مکرر - ۵

۱- حفاظت از طبیعت و مناظر طبیعی در صلاحیت ایالت است.

۲- کنفدراسیون باید، در اجرای وظایف محوله، ویژگی‌های مناظر طبیعی و شهرها و روستاهای کوچک و اماکن تداعی‌کننده گذشته و همچنین مناظر زیبای طبیعی و یادبودها را مورد توجه قرار داده و هر جا منافع عمومی مهم ایجاب نمود از آنها در قبال مداخله انسان حفاظت نماید.

۳- کنفدراسیون می‌تواند با ارائه اعاناتی از تلاش در جهت حفظ طبیعت و مناظر، حمایت و از طریق عقد قرارداد یا مصادره، در جهت دستیابی یا حفظ منابع طبیعی، اماکن تداعی‌کننده گذشته و یادبودهای دارای اهمیت ملی، اقدام نماید.

۴- کنفدراسیون مجاز به قانون‌گذاری در مورد حمایت از حیوانات و گیاهان است.

۵- باتلاق‌ها و مناطق باتلاقی دارای زیبایی خاص و منافع ملی جزء مناطق حفاظت شده هستند. در مناطق حفاظت شده مزبور احداث هرگونه تأسیسات و دگرگونی‌های اراضی به هر شکل ممنوع است. احداث تأسیسات در جهت حفاظت مطابق اهداف مورد نظر و با هدف بهره‌برداری‌های کشاورزی از این امر مستثنی هستند.

مقررات انتقالی: کلیه تأسیسات یا ابنیه و اراضی تخریب و دگرگون شده با هزینه مسئول آن به وضعیت اولیه برمی‌گردد، چنانچه ابنیه یا دگرگونی‌های مزبور با هدف حمایت و اقدامات انجام گرفته پس از اول ژوئن سال ۱۹۸۳ در منطقه باتلاقی روتانتورم، چه در مناطق تحت حاکمیت ایالت سوئیس و چه در مناطق تحت حاکمیت ایالت زوگ، مغایرت داشته باشد، وضعیت اولیه مجدداً برقرار می‌گردد.

اصل بیست و چهارم - مکرر - ۶

۱- کنفدراسیون در زمینه حمایت از انسان و محیط زیست او در مقابل حملات خطرناک یا آزاردهنده وارده

اقدام به قانون گذاری می نماید. کنفدراسیون به خصوص با آلودگی هوا و آلودگی صوتی مبارزه می کند.

۲- اجرای دستورالعمل های فدرال به عهده ایالت هاست. مشروط بر این که قانون این حق را به کنفدراسیون واگذار نکرده باشد.

اصل بیست و چهارم - مکرر - ۷

۱- کنفدراسیون و ایالت ها اقدامات خود را در جهت ذخیره سازی انرژی کافی، متنوع، مطمئن، اقتصادی و مطابق با الزامات حمایت از محیط زیست و همچنین مصرف مقتصدانه و معقول انرژی به کار می گیرند.

۲- کنفدراسیون اصول قابل اجرا در موارد ذیل را تدوین می کند:

الف- در مورد کاربرد انرژی تولید داخل و قابل تغییر شکل؛

ب- در مورد مصرف توأم با صرفه جویی و معقول انرژی.

۳- کنفدراسیون:

الف- دستورالعمل هایی در خصوص مصرف انرژی مؤسسات، خودروها و ماشین آلات صادر می نماید؛

ب- توسعه تکنولوژی تولید انرژی، به ویژه در زمینه صرفه جویی انرژی و انرژی قابل تغییر، را تشویق می نماید.

۴- کنفدراسیون در سیاست اجرایی خود در زمینه انرژی، به تلاش های ایالت ها و فعالیت های آنها و همچنین به صرفه جویی توجه می کند. کنفدراسیون اختلاف بین مناطق و محدودیت های اقتصادی قابل تحمل را نیز لحاظ می نماید. رؤسای دول ایالت ها اقدام به اتخاذ تدابیری در زمینه مصرف انرژی خانگی می کنند.

اصل بیست و چهارم - مکرر - ۸

۱- انسان و محیط زیست او در قبال سوء استفاده در زمینه تکنیک های تلقیح مصنوعی و مهندسی ژنتیک حمایت می شود.

۲- کنفدراسیون دستورالعمل هایی مربوط به استفاده از ژن تعیین کننده جنس و وراثت انسانی صادر می نماید. کنفدراسیون از این رهگذار از شرافت انسانی، شخصیت و خانواده حمایت می کند و دقیقاً خود را با اصول ذیل منطبق خواهد ساخت:

الف- مداخله در ژن تعیین کننده وراثت سلول های جنسی و جنین انسان پذیرفته نیست؛

ب- ژن تعیین کننده جنس و وراثت غیرانسان نمی تواند به ژن تعیین کننده جنس انسان منتقل یا با آن ترکیب شود؛

پ- توسل به شیوه های تلقیح مصنوعی فقط در موارد عقیم بودن یا برای دفع خطر تسری بیماری حاد مجاز است ولی در مورد تقویت برخی از خصوصیات در کودک یا برای انجام تحقیقات مجاز نیست. باروری سلول تخم انسان خارج از بدن زن فقط در شرایط پیش بینی شده در قانون مجاز است. فقط آن تعداد از سلول های تخم انسان که قابلیت چسبندگی دارند می توانند تا رسیدن به مرحله توده سلولی در خارج از بدن زن رشد نمایند؛

ت- واگذاری توده سلولی و کلیه اشکال مادی جایگزینی ممنوع است؛

ث- ژن تعیین کننده وراثت در یک تشخیص را فقط با اجازه وی یا براساس دستور قانونی می توان تجزیه و تحلیل، جمع آوری و آشکار نمود؛

ج- دستیابی فرد به اطلاعات مربوط به اجدادش تضمین می‌شود.

۳- کنفدراسیون دستورالعمل‌هایی را درخصوص استفاده از ژن تعیین‌کننده جنس و وراثت در حیوانات، گیاهان و سایر موجودات زنده صادر و ضمن انجام این کار شرافت مخلوق و امنیت انسان، حیوان و محیط زیست را لحاظ و از چندگانگی وراثتی انواع حیوانات و گیاهان حمایت می‌کند.

اصل بیست و پنجم

کنفدراسیون از حق وضع مقررات قانونی مربوط به شکار و صید ماهی به ویژه به منظور حفاظت از حیوانات شکاری در کوهستان‌ها و حمایت از پرندگانی که برای زراعت و جنگلداری مفید هستند، برخوردار است.

اصل بیست و پنجم - مکرر - ۱

۱- کنفدراسیون از صلاحیت قانون‌گذاری درخصوص حمایت از حیوانات برخوردار است.

۲- دستگاه قانون‌گذاری فدرال در مورد تنظیم موارد ذیل اقدام می‌نماید:

الف- حفاظت از حیوانات و توجهات لازم به آنها؛

ب- استفاده از حیوانات و تجارت آنها؛

پ- حمل و نقل با حیوانات؛

ت- عمل و آزمایش بر روی حیوانات؛

ث- ذبح و سایر روش‌های کشتار حیوانات؛

ج- واردات حیوانات و فرآورده‌های حیوانی.

۳- اجرای دستورالعمل‌های فدرال به عهده ایالت‌هاست مشروط بر این که قانون آن را به کنفدراسیون واگذار نکرده باشد.

اصل بیست و ششم

کنفدراسیون از صلاحیت قانون‌گذاری درخصوص ایجاد و بهره‌برداری از خطوط آهن برخوردار است.

اصل بیست و ششم - مکرر - ۱

کنفدراسیون از صلاحیت قانون‌گذاری درخصوص تأسیسات حمل و نقل مواد سوختی، بنزین و مشتقات مایع یا گازی آن از طریق لوله‌کشی برخوردار است.

اصل بیست و هفتم

۱- کنفدراسیون علاوه بر مدرسه پلی‌تکنیک موجود، حق تأسیس دانشگاه فدرال و سایر مؤسسات آموزش عالی، یا کمک به این قبیل مؤسسات را دارد.

۲- ایالت‌ها امکانات لازم آموزش ابتدایی را که باید کامل و تحت مدیریت مسئولین دولتی باشد فراهم می‌نمایند. دوره آموزش مزبور اجباری و در مدارس دولتی رایگان است.

۳- مدارس دولتی باید به گونه‌ای باشند که پیروان همه فرق مذهبی بتوانند بدون هیچ مشکلی در برخورداری از آزادی مذهب یا عقیده خود در آنجا حضور یابند.

۳- مکرر - ...!

۴- کنفدراسیون علیه ایالت‌هایی که در انجام این تعهدات قصور می‌ورزند تدابیری اخذ می‌نماید.

۱. نگاه کنید به اصل چهارم مقررات انقضا.

۲ همان.

اصل بیست و هفتم - مکرر - ۱

منسوخ گردیده است.

اصل بیست و هفتم - مکرر - ۲

۱- کنفدراسیون از حق قانون گذاری جامع به شکل قوانین یا احکام در موارد ذیل برخوردار است:

الف- تشویق تولیدات سینمایی سوئیس و فعالیت های فرهنگی جاری در زمینه سینما؛

ب- تنظیم صادرات و توزیع فیسه و همچنین افتتاح و تغییر شکل مؤسسات نمایش فیلم؛ به این منظور کنفدراسیون در صورت نیاز می تواند در جهت منافع کلی فرهنگ یا حکومت، مغایر با اصل آزادی تجارت و صنعت رفتار کند.

۲- ایالت ها، انجمن های فرهنگی و اقتصادی ذی نفع هنگام تدوین قوانین اجرائی مورد شور قرار می گیرند.

۳- چنانچه قانون ایجاد و تغییر شکل مؤسسات نمایش فیلم را منوط به مجوز بدانند، ایالت ها طبق شیوه ای که تعیین می کنند از حق صدور چنین مجوزی برخوردارند.

۴- به علاوه قانون گذاری در خصوص سینما و اجرای آن در صلاحیت ایالت هاست.

اصل بیست و هفتم - مکرر - ۳

۱- کنفدراسیون می تواند به منظور جبران هزینه بورس تحصیلی و سایر کمک های مالی به امر آموزش و پرورش کمک هایی را به ایالت ها تخصیص دهد.

۲- کنفدراسیون همچنین می تواند به عنوان مکمل پرداخت به ایالت ها، تدابیری اتخاذ یا از تدابیر مختص به حمایت از امر آموزش و پرورش از طریق بورس یا سایر کمک های مالی پشتیبانی نماید.

۳- در تمامی موارد استقلال ایالت ها در امر آموزش و پرورش محترم خواهد بود.

۴- مقررات اجرائی به شکل قوانین یا احکام کلی فدرال وضع می شوند. ایالت ها پیش تر مورد شور قرار می گیرند.

اصل بیست و هفتم - مکرر - ۴

۱- کنفدراسیون از حق تدوین دستورالعمل هایی در خصوص انجام تمرینات بدنی و سایر ورزش ها توسط جوانان برخوردار است. کنفدراسیون می تواند با وضع قانون آموزش تمرینات بدنی و سایر ورزش ها را در مدارس الزامی کند. اجرای دستورالعمل های فدرال در مدارس به عهده ایالت هاست.

۲- کنفدراسیون انجام تمرینات بدنی را از سوی بزرگسالان تشویق می کند.

۳- کنفدراسیون اقدام به تأسیس مدرسه تمرینات بدنی و سایر ورزش ها می نماید.

۴- ایالت ها و سازمان های ذی نفع هنگام تدوین قوانین اجرائی مورد شور قرار می گیرند.

اصل بیست و هفتم - مکرر - ۵

۱- کنفدراسیون مشوق انجام تحقیقات علمی است. هزینه های مربوطه به شرط وجود ارتباط کاری پرداخت می شود.

۲- کنفدراسیون می تواند نسبت به تأسیس مؤسسات تحقیقاتی یا از سرگیری کار آنها، اعم از کلی یا جزئی اقدام نماید.

۱- نسخ اصل بیست و هفتم - مکرر - ۱ در خصوص حذف کمک به مدارس ابتدایی در همه پرسه همگانی مورخه ۱۰ مارس سال ۱۹۸۵ مورد تصویب قرار گرفت.

اصل بیست و هشتم

امور مربوط به عوارض گمرکی به عهده کنفدراسیون است. کنفدراسیون حق دارد عوارض ورود و خروج دریافت نماید.

اصل بیست و نهم

۱- دریافت عوارض گمرکی فدرال طبق اصول ذیل تنظیم می‌گردد:

۱- عوارض واردات.

الف- اقلام لازم برای صنعت و کشاورزی کشور مشمول حداقل مالیات می‌گردند؛

ب- اصل فوق در مورد اقلام ضروری زندگی نیز صادق است؛

پ- اشیا تجملی مشمول بیشترین میزان عوارض می‌گردند.

هنگام انعقاد قراردادهای بازرگانی با کشورهای خارجی، در صورت عدم موانع بزرگ، اصول فوق باید لحاظ شوند.

۲- عوارض صادرات نیز تا حد امکان پایین خواهد بود.

۳- قانون عوارض گمرکی باید مشتمل بر مقررات مناسبی برای تجارت مرزی و بازار باشد.

۲- مقررات فوق ممانعتی را برای کنفدراسیون، جهت اتخاذ موقتی تدابیر استثنایی در شرایط فوق العاده، ایجاد نمی‌نماید.

اصل سی‌ام

درآمد حاصل از عوارض گمرکی به کنفدراسیون تعلق دارد.

اصل سی و یکم

۱- به موجب مفاد محدود کننده قانون اساسی و قوانین منتج از آن، آزادی تجارت و صنعت در کنفدراسیون تضمین می‌شود.

۲- مفاد دستورالعمل‌های ایالت‌ها در زمینه حرف تجاری و صنعت و همچنین مالیات بر آنها محفوظ است. مع ذلک دستورالعمل‌های مزبور نمی‌توانند مغایر با اصل آزادی تجارت و صنعت باشند، مشروط بر این که قانون اساسی فدرال دارای مفاد دیگری در این زمینه نباشد. حقوق انحصاری ایالت‌ها هم از این امر مستثنی نیست.

اصل سی و یکم - مکرر - ۱

۱- کنفدراسیون باید، در محدوده اختیارات مقرر خود در قانون اساسی، اقداماتی را در جهت افزایش رفاه عمومی و ایجاد امنیت اقتصادی شهر و ندان به عمل آورد.

۲- کنفدراسیون می‌تواند ضمن حفظ منافع کلی اقتصاد ملی، دستورالعمل‌هایی در مورد مسئله تجارت و صنعت وضع و در حمایت از شاخه‌های اقتصادی یا حرف تدابیری اتخاذ نماید. کنفدراسیون باید، به استثنای بند سوم، به اصل آزادی تجارت و صنعت احترام بگذارد.

۳- هرگاه منافع عمومی ایجاب کند کنفدراسیون می‌تواند در صورت لزوم، مقرراتی مغایر با آزادی تجارت و صنعت را در موارد ذیل، وضع نماید:

الف- حفظ شاخه‌های مهم اقتصادی یا حرفی که موجودیت آنها در معرض تهدید قرار گرفته است و افزایش توان حرفه‌ای افرادی که مستقلاً در این شاخه‌ها یا حرف اشتغال دارند؛

ب- حفظ بخش اعظم جمعیت کشاورز، بهره‌وری زراعی و حمایت از مالکیت روستایی.

پ- حمایت از مناطقی که اقتصاد آنها در معرض تهدید است.

ت- جلوگیری از اثرات زیانبار اقتصادی یا اجتماعی کارتل‌ها یا گروه‌های مشابه.

ث- اتخاذ تدابیر احتیاطی در زمینه دفاع ملی اقتصادی و به منظور ذخیره کشور به لحاظ کالاها و اقلام حیاتی که در شرایط کمبود شدید مواد غذایی که اقتصاد ملی نمی‌تواند با امکانات خود در رفع آن اقدام نماید مهم هستند.

۴- حرف و شاخه‌های اقتصادی زمانی تحت حمایت مقررات قسمت‌های (الف) و (ب) قرار می‌گیرند که خود اقداماتی در زمینه مساعدت متقابل که به حق می‌توان از آنها انتظار داشت، به عمل آورده باشند.

۵- قوانین فدرال به موجب قسمت‌های (الف) و (ب) باید از توسعه گروه‌ها براساس کمک متقابل حمایت نماید.

اصل سی و یکم - مکرر - ۲

۱- در صورت تهدید رقابت افراطی، ایالت‌ها حق دارند با وضع قانون حرفه اداره رستوران و کافه‌ها و در صورت نیاز سایر مؤسساتی از این نوع را منوط به شناخت حرفه و شایستگی شخصی کنند. مقررات مربوطه باید به اندازه کافی اهمیت مؤسسات فوق برای رفاه عمومی را در نظر داشته باشند.

۲- به علاوه کنفدراسیون می‌تواند در محدوده اختیارات قانون‌گذاری خود، به ایالت‌ها اجازه دهد تا در زمینه‌هایی که مجموعه در بین فدرال الزامی نمی‌نماید و وضع آنها نیز در صلاحیت ایالت‌ها نیست مقرراتی را تنظیم نمایند.

اصل سی و یکم - مکرر - ۳

۱- کنفدراسیون از حق وضع قانون در مورد نظام بانکی برخوردار است.

۲- این قانون‌گذاری باید نقش و موقعیت ویژه بانک‌های ایالت‌ها را در نظر بگیرد.

اصل سی و یکم - مکرر - ۴

۱- کنفدراسیون با مشارکت ایالت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، نسبت به اتخاذ تدابیری در جهت ایجاد تعادل در تحولات روز، به ویژه در جهت پیشگیری و مبارزه با بیکاری و گرانی، اقدام نماید.

۲- کنفدراسیون، هنگام اتخاذ تدابیری در زمینه‌های پول و اعتبار، سرمایه‌گذاری‌های دولتی و روابط اقتصادی خارجی می‌تواند، در صورت لزوم، مغایر با اصل آزادی تجارت و صنعت اقدام نماید. کنفدراسیون می‌تواند با استفاده از تخفیف مالیاتی مؤسسات را مجبور به تشکیل منابع اعتباری بنماید. پس از ارائه تخفیف مالیاتی، مؤسسات، ضمن تطبیق خود با اهدافی که قانون تعیین نموده است، آزادانه از آنها استفاده می‌کنند.

۳- کنفدراسیون، ایالت‌ها و بخش‌ها بودجه خود را با توجه به الزامات شرایط روز تدوین می‌نماید. کنفدراسیون می‌تواند به منظور ایجاد تعادل در وضعیت موجود، در کوتاه مدت اقدام به افزایش یا کاهش عوارض و مالیات‌های فدرال نماید. مبالغ اضافی دریافتی مادامی که شرایط روز ایجاب کند بلااستفاده می‌ماند. عوارض و مالیات‌های مستقیم فدرال به‌طور فردی بازپرداخت می‌شود و عوارض و مالیات‌های غیرمستقیم فدرال به تحفیفات یا به ایجاد امکانات شغلی تخصیص می‌یابد.

۴- کنفدراسیون به نابرابری‌های توسعه اقتصادی مناطق مختلف کشور توجه دارد.

۵- کنفدراسیون اقدام به تحقیقاتی می‌کند که سیاست روز ایجاب کند.

اصل سی و یکم - مکرر - ۵

۱- کنفدراسیون، در جهت نفع اقتصاد ملی و با رعایت اصل آزادی تجارت و صنعت، تدابیری به منظور حمایت از مصرف‌کنندگان اتخاذ می‌نماید.

۲- سازمان مصرف‌کنندگان، در محدوده‌های قانونی مربوط به رقابت متقابلانه، از حقوق مشابه اتحادیه‌های حرفه‌ای و اقتصادی برخوردارند.

۳- ایالت‌ها تا حدودی که شورای فدرال در موارد اختلافی تعیین می‌نماید، برای رفع اختلافات ناشی از قراردادهای منعقد به مصرف‌کنندگان نهایی و تأمین‌کنندگان نسبت به اعمال روش‌های مسالمت‌آمیز و قضائی ساده و سریع مبادرت می‌ورزند.

اصل سی و یکم - مکرر - ۶

برای جلوگیری از سوء استفاده در تعیین قیمت‌ها، کنفدراسیون قوانینی در خصوص نظارت بر قیمت‌ها و بر قیمت‌های سفارشی که در مورد اموال و خدمات انجام شده مؤسسات و سازمان‌های مسلط بر بازار، به خصوص کارت‌ها و سازمان‌های مشابه دولتی یا خصوصی کاربرد دارد، وضع می‌نماید. در صورتی که هدف ایجاب نماید قیمت‌ها کاهش خواهند یافت.

اصل سی و دوم

۱- مقررات پیش‌بینی شده در اصل سی و یکم و در اصول سی و یکم - مکرر - ۱، مکرر ۲-، بند دوم مکرر - ۳ و مکرر - ۴ فقط می‌تواند به شکل قوانین یا احکام مورد همه پرس‌تدوین گردد. در موارد اضطراری که در دوران بی‌نظمی اقتصادی روی می‌دهد مفاد بند سوم اصل هشتم و نهم محفوظ است.^۱

۲- ایالت‌ها هنگام تدوین قوانین اجرایی مورد مشورت واقع می‌شوند. طبق قاعده کلی، ایالت‌ها موظف به اجرای مقررات فدرال هستند.

۳- گروه‌های اقتصادی ذی نفع، هنگام تدوین قوانین اجرایی مورد مشورت واقع و ممکن است به همکاری در زمینه به کار بستن دستورالعمل‌های اجرایی فراخوانده شوند.

اصل سی و دوم - مکرر - ۱

۱- کنفدراسیون مجاز است در زمینه تولید، صدور، پالایش، فروش و وضع مالیات بر مشروبات تقطیر شده قانون وضع نماید.

۲- قانون، کاهش مصرف و در نتیجه صدور و تولید مشروبات الکلی را مدنظر دارد. قانون مزبور تولید میوه‌های مخصوص دسر و استفاده از مواد تولید داخل را به عنوان غذای علوفه تشویق می‌نماید. کنفدراسیون بر اساس توافق مشترک از طریق بازخرید تعداد دستگاه‌های تقطیر را کاهش می‌دهد.

۳- امتیاز تولید مشروبات تقطیری به شرکت‌های تعاونی و سایر مؤسسات خصوصی اعطا می‌شود. این امتیازات باید استفاده از زواید و بازمانده‌های درختان میوه، تاک و چغندر قند و مازاد محصول میوه و سیب زمینی را به مثابه این که اقلام مذکور به‌طور علمی فقط در تقطیر قابل استفاده هستند، امکان‌پذیر نماید.

۴- تولید غیرصنعتی مشروبات، از میوه‌ها و زواید آنها از آب سیب، از شراب، از تفاله انگور، از دُرْد شراب، از ریشه‌های کوشاد و از مواد مشابه در دستگاه‌های تقطیر شخصی موجود یا در دستگاه‌های تقطیر قابل نقل

^۱ بند سوم اصل هشتم و نهم منسوخ و اصل هشتم و نهم - مکرر - ۱ جایگزین آن گردید.

و انتقال، به مثابه این که مواد مزبور منحصرأ تولیدات داخل هستند یا به صورت خودرو در کشور به وجود آمده‌اند. مشروباتی که بدین صورت تولید می‌شود و برای مصرف داخلی یا بهره‌بری زراعی تولیدکننده لازم است، از مالیات معاف است. تقطیر کنندگانی که در پایان یک دوره پانزده ساله پس از تصویب این اصل مشغول به کار هستند، چنانچه مایل به ادامه کار باشند، باید تقاضای امتیاز بکنند، که این امتیاز باید طبق شرایطی که قانون معین می‌کند به‌طور رایگان اعطا گردد.

۵- محصولات بومی تولید شده از تقطیر میوه‌های هسته دار، شراب، تفاله انگور، دُرد شراب، ریشه‌های گوناد و محصولات مشابه مشمول مالیات هستند. با این وجود، تولیدکننده باید در برابر مواد خام کاشت داخل بهای عادلانه‌ای دریافت نماید.

۶- مشروبات و محصولات بومی تولید داخل کشور، به استثنای مقادیری که تولیدکننده به آن احتیاج دارد و از مالیات معاف است. به کنفدراسیون واگذار می‌شود و کنفدراسیون برای آن بهای عادلانه‌ای می‌پردازد.

۷- مشروباتی که صادر می‌شوند یا در حال نقل و انتقال به خارج هستند یا محصولات ناخالص از مالیات معاف هستند.

۸- درآمدهای ناشی از بهره قروض یا مالیات بر تجارت جزء در محدوده ایالت جزء اموال همان ایالت محسوب می‌شود. کنفدراسیون پروانه تجارت بین ایالت و بین‌المللی را صادر می‌نماید؛ عایدات ناشی از این امر بین ایالت‌ها به نسبت جمعیت هر یک تقسیم می‌شود.

۹- یک دهم از درآمدهای خالص کنفدراسیون ناشی از مالیات مربوط به نوشیدنی‌های تقطیری به ایالت‌ها بازپرداخت و در راه مبارزه با علل و آثار الکلیسم، مصرف داروهای مخدر و سایر مواد اعتیادزا صرف می‌شود. سهم هر ایالت به نسبت جمعیت مقیم آن تعیین می‌شود. سهم جمعیت کنفدراسیون به بیمه سالمندان، بی‌سرپرستان و معوقین اختصاص می‌یابد.

اصل سی و دوم - مکرر - ۲

۱- تولید، واردات، حمل و نقل، فروش یا نگهداری نوشیدنی معروف به شراب خاراگوش در کنفدراسیون ممنوع است. ممنوعیت مزبور در مورد کلیه نوشابه‌ها، تحت هر نامی، که شباهت به شراب خاراگوش داشته باشد اعمال می‌گردد. حمل به خارج و استفاده در داروسازی از این ممنوعیت مستثنی است.

۲- ممنوعیت فوق دو سال بعد از تصویب آن به اجرا در می‌آید. به تبع این ممنوعیت سیستم قانون‌گذاری فدرال مقررات لازم را وضع می‌نماید.

۳- کنفدراسیون حق دارد با وضع قانون ممنوعیت مشابهی را در مورد سایر نوشیدنی‌های محتوی خاراگوش، که برای عموم خطرناک است، وضع نماید.

اصل سی و دوم - مکرر - ۳

۱- ایالت‌ها می‌توانند از طریق قانون‌گذاری در جهت منافع عمومی حرفه مهمانخانه داری و خرده فروشی مشروبات الکلی را کنترل نمایند. در مورد مشروبات الکلی تقطیر نشده فروش مقادیر کمتر از ۲۱ لیتر، خرده‌فروشی به حساب می‌آید.

۲- ایالت‌ها می‌توانند تجارت مشروبات الکلی تقطیر نشده در مقادیر از ۲ تا ۱۰۱ لیتر را، در محدوده بند دوم اصل سی و یکم با وضع قانون، منوط به داشتن پروانه و پرداخت هزینه جزئی، مشمول نظارت مقامات ذی صلاح نمایند.

۳- فروش مشروبات الکلی تقطیر نشده مشمول مالیات‌های ویژه نبوده و فقط مشمول حقوق مربوط به صدور مجوز می‌شود.

۴- با اشخاص حقوقی باید مانند اشخاص حقیقی رفتار کرد. تولیدکنندگان شراب و شراب سیب، می‌توانند محصولات خود را در مقادیر ۲۱ لیتر یا بیشتر بدون پروانه و دادن پول به فروش برسانند.

۵- کنفدراسیون از حق وضع قانون در مورد تجارت مشروبات الکلی تقطیر نشده در مقادیر ۲۱ لیتر و بیشتر برخوردار است. دستورالعمل‌های کنفدراسیون نباید در بر دارنده مفاد مغایر با اصل آزادی تجارت و صنعت باشد.

۶- دوره گردی و فروش سیار مشروبات الکلی ممنوع است.

اصل سی و سوم

۱- ایالت‌ها می‌توانند اشتغال به حرف آزاد را منوط به احراز صلاحیت نمایند.

۲- مجموعه قوانین فدرال امکان آن را فراهم می‌نماید تا شاغلین آزاد بتوانند در سرتاسر کنفدراسیون گداه‌های احراز صلاحیت دریافت دارند.^۱

اصل سی و چهارم

۱- کنفدراسیون از حق وضع مقررات یکسان در مورد کار اطفال و ساعات کار بزرگسالان در کارخانه‌ها و همچنین در مورد حمایت از کارگران در قبال صنایع غیربهداشتی و خطرناک برخوردار است.

۲- عملکرد آژانس‌های مهاجرت و سازمان‌های بیمه تحت نظارت و قانون‌گذاری فدرال است.

اصل سی و چهارم - مکرر - ۱

۱- کنفدراسیون بیمه حوادث و بیماری را با توجه به صندوق موجود امداد و تعاون با وضع قانون، گسترش می‌دهد.

۲- کنفدراسیون می‌تواند بیمه مزبور را برای همگان یا برای طبقات خاصی از شهروندان، اجباری نماید.

اصل سی و چهارم - مکرر - ۲

کنفدراسیون در موارد ذیل از حق وضع قانون برخوردار است:

الف- حمایت از کارمندان و کارگران؛

ب- روابط بین کارفرمایان و کارکنان یا کارگران، به ویژه در خصوص حل دسته جمعی مشکلات مربوط به مؤسسه و کار؛

پ- الزام کلی عقد قرار دادهای جمعی کار و سایر موافقت نامه‌های بین اتحادیه‌های کارفرمایان و کارکنان یا کارگران به منظور بهبود امنیت کار؛

ت- جبران نسبی مزد یا درآمدی که در اثر انجام خدمت سربازی از دست می‌رود؛

ث- خدمات اسکان؛

ج- آموزش حرفه‌ای در صنایع، هنر و مشاغل، تجارت، کشاورزی و خدمات محل کار.

۲- الزامات کلی پیش‌بینی شده قسمت (پ) می‌تواند تنها در زمینه‌های مربوط به روابط کاری بین کارفرمایان و کارکنان یا کارگران تدوین شود، مشروط بر این که در مقررات مورد نظر به اندازه کافی تفاوت‌های منطقه‌ای و منافع مشروع اقلیت‌ها لحاظ و اصول برابری در مقابل قانون و آزادی گردهمایی‌ها

^۱ نگاه کنید به اصل پنجم مقررات انتقالی

رعایت شود.

۳- مقررات اصل سی و دوم در صورت توافق اعمال می‌گردد.

اصل سی و چهارم - مکرر - ۳

۱- کنفدراسیون به منظور توسعه تأمین آتیه برای دوران سالخوردگی، فوت و معلولیت، تدابیری اتخاذ می‌نماید. بیمه مذکور از بیمه فدرال، بیمه تأمین آتیه حرفه‌ای و بیمه تأمین آتیه فردی منتج می‌شود.

۲- کنفدراسیون از طریق قانون اقدام به تأسیس بیمه سالخوردگی، بی‌سرپرستی و معلولیت می‌نماید. بیمه مزبور به صورت مقرری نقدی یا جنسی ارائه می‌شود. مقرری بیمه باید به طور نسبی پاسخگوی نیازهای حیاتی باشد. حداکثر مقرری نباید بیشتر از دو برابر حداقل آن باشد. مقرری‌ها باید متناسب با تغییرات قیمت اجناس تنظیم شود بیمه‌های مذکور با تشریک مساعی ایالت‌ها به مرحله اجرا در خواهد آمد. می‌توان در این خصوص از سندیکاهای صنفی و سایر سازمان‌های خصوصی و دولتی استمداد نمود. عوامل مشروحه ذیل در سرمایه‌گذاری بیمه مزبور سهیم‌اند:

الف- حق بیمه بیمه شدگان؛ در خصوص مزدبگیران، نیمی از حق بیمه به عهده کارفرماست؛

ب- عوارضی که حدود نیمی از هزینه‌هاست و در وهله نخست، درآمد حاصل از مالیات و حقوق گمرکی تنباکو، عوارض مالیاتی نوشیدنی‌های تقضیر شده (بند نهم اصل سی و دوم - مکرر - ۱) و مالیات خالص ناشی از بهره‌برداری از قمارخانه‌ها^۱ (بند پنجم اصل سی و پنجم) آن را تأمین می‌کند؛

پ- عوارض ایالت‌ها در صورت پیش‌بینی قانون اجرائی؛ سهم کنفدراسیون به اندازه عوارض مزبور کاهش می‌یابد.^۲

۳- کنفدراسیون، به منظور ایجاد امکان حفظ نسبی سطح زندگی پیشین برای سالخوردگان، بی‌سرپرستان و معلولین، با توجه به مقرری بیمه فدرال، با وضع قانون در زمینه تأمین آتیه حرفه‌ای، اقدام به اخذ تدابیر ذیل می‌نماید:

الف- کنفدراسیون کارفرمایان را ملزم می‌کند تا امکان برخورداری از بیمه تأمین آتیه مؤسسات، ادارات و انجمن‌ها یا امکان برخورداری از بیمه مؤسسه مشابه دیگری را برای کارکنان خود فراهم سازند و نیمی از هزینه مربوط به حق بیمه را نیز خود عهده دار شوند؛

ب- کنفدراسیون حداقل شرایط مورد تقاضا از مؤسسات بیمه تأمین آتیه را تعیین و به منظور حل مشکلات خاص، تدابیری کاربردی در سطح کشور را پیش‌بینی می‌نماید؛

پ- کنفدراسیون بر امر ارائه امکانات لازم به مؤسسات در زمینه برخورداری ساختن کارکنان خود از بیمه تأمین آتیه نزد مؤسسه بیمه نظارت دارد و می‌تواند اقدام به تشکیل صندوق فدرال نیز نماید؛

ت- کنفدراسیون بر این امر که اشخاص مستقل بتوانند با اختیار و تحت شرایط مزدبگیران نزد مؤسسه‌ای از بیمه تأمین آتیه برخوردار شوند نظارت دارد. بیمه می‌تواند برای برخی از اشخاص مستقل، به طور کلی یا به منظور تحت پوشش قرار دادن خطرات خاص اجباری شود.^۳

۴- کنفدراسیون بر این امر که بیمه تأمین آتیه حرفه‌ای و همچنین بیمه فدرال، در درازمدت بتوانند طبق اهداف خود توسعه یابند نظارت دارد.

۱- مقرری مزبور فعلاً در صورت اجرائی ندارد.

۲- نکته جدید به بند اول اصل یازدهم مقررات انتقالی.

۳- نکته جدید به بند دوم اصل یازدهم مقررات انتقالی.

۵- ایالت‌ها می‌توانند نسبت به ارائه معافیت مالیاتی به مؤسسات عهده دار بیمه فدرال یا بیمه تأمین آتیه حرفه‌ای و همچنین ارائه تخفیف به بیمه شدگان و کارفرمایان ایشان در خصوص حق بیمه و حقوق احتمالی مبادرت ورزند.

۶- کنفدراسیون، با همکاری ایالت‌ها، بیمه تأمین آتیه فردی را، به‌خصوص با اخذ تدابیر مالیاتی و سیاست تسهیل‌کننده دستیابی به توان کافی، تشویق می‌نماید.

۷- کنفدراسیون بازپروزی معلولین را تشویق و از تلاش‌های انجام شده به نفع سالخورده‌گان، بی‌سرپرستان و معلولین حمایت می‌کند. در این راستا، کنفدراسیون می‌تواند از منابع مالی بیمه فدرال نیز استفاده کند.

اصل سی و چهارم - مکرر - ۴

۱- کنفدراسیون در راستای اعمال اختیارات واگذار شده به او و در محدوده قانون اساسی، نیازهای خانواده‌ها را مدنظر قرار می‌دهد.

۲- کنفدراسیون مجاز است در زمینه صندوق بیمه خانوادگی قانون وضع کند و عضویت در این صندوق را برای همه، یا برای برخی از اقشار مردم، اجباری اعلام نماید. کنفدراسیون ضمن توجه به صندوق‌های موجود، می‌تواند از تلاش‌های ایالت‌ها و گروه‌های صنفی در جهت ایجاد صندوق‌های جدید حمایت، صندوق مرکزی جبران خسارت را تأسیس و ارائه مقرری‌های عالی خود را منوط به شرکت عادلانه ایالت‌ها نماید.

۳- کنفدراسیون با وضع قانون، بیمه زایمان را تأسیس می‌کند و می‌تواند عضویت [در این بیمه] را برای همه، یا برای برخی از اقشار مردم اجباری کند و افراد فاقد شرایط استفاده از مقرری این بیمه را نیز ملزم به واریز حق بیمه و ارائه مقرری‌های مالی خود را منوط به شرکت عادلانه ایالت‌ها در این امر نماید.

۴- قوانینی که به موجب این اصل وضع می‌شوند با تشریک مساعی ایالت‌ها به اجرا در می‌آیند؛ در این راستا می‌توان از مؤسسات حقوقی دولتی یا خصوصی درخواست کمک نمود.

اصل سی و چهارم - مکرر - ۵

۱- کنفدراسیون تدابیری را جهت تشویق ساختمان‌سازی، به‌خصوص از طریق کاهش بهای آن و تملک منزل یا خانه مسکونی، اتخاذ می‌نماید. دستگاه قانون‌گذاری فدرال شرایط ارائه کمک را تعیین می‌کند.

۲- کنفدراسیون می‌تواند:

الف- امر دستیابی و تملک اراضی برای ساخت محل مسکونی را تسهیل نماید:

ب- از تلاش‌های مصروف در امر بهبود شرایط ساختمان و محیط زیست به نفع خانواده‌های افراد کم‌درآمد، سالخورده‌گان، معلولین و همچنین اقشار آسیب‌پذیر، حمایت کند.

پ- تحقیقات در خصوص بازار مسکن و در زمینه ساختمان‌سازی و همچنین ساخت بهینه و ارزان مسکن را تشویق نماید:

ت- دستیابی به سرمایه در امر ساخت مسکن را تضمین کند.

۳- کنفدراسیون مجاز است دستورالعمل‌های قانونی لازم را در امر آماده‌سازی اراضی مختص به ساخت مسکن و همچنین بهینه و ارزان‌سازی مسکن صادر نماید.

۴- چون اجرای تدابیر مزبور، به لحاظ ماهوی، فقط در حیطه صلاحیت کنفدراسیون نیست، لذا ایالت‌ها به شرکت در اجرای آنها فراخوانده می‌شوند.

۵- ایالت‌ها و گروه‌های ذی نفع، به هنگام تدوین قوانین اجرایی مورد شور واقع می‌شوند.

اصل سی و چهارم - مکرر - ۶

۱- کنفدراسیون می‌تواند علیه سوء استفاده از عقد اجاره، فرامینی صادر نماید. کنفدراسیون به منظور حمایت از مستأجر در قبال اجاره بها و سایر ادعاهای غیرقانونی موجرها در خصوص فسخ غیرقانونی عقد اجاره و در خصوص تمدید اجاره نامه محدود به زمانی خاص، اقدام به وضع قانون می‌نماید.

۲- کنفدراسیون می‌تواند، به منظور تشویق عقد قرارداد مشترک و ممانعت از سوء استفاده در زمینه اجاره بها و مسکن، نسبت به صدور فرامینی مبنی بر اعلام الزام آور بودن کلی قراردادها و سایر تدابیر مشترک متخذه از سوی سازمان‌های موجر و مستأجر یا سازمان‌های مدافع حقوق مشابه اقدام نماید. بند دوم اصل سی و چهارم - مکرر - ۲، مربوط به ساختمان سازی، در موارد مشابه نیز قابل اجراست.

اصل سی و چهارم - مکرر - ۷

۱- کنفدراسیون با وضع قانون، بیمه بیکاری را پایه‌گذاری می‌کند و همچنین می‌تواند در زمینه کمک به بیکاران اقدام به وضع قانون نماید.

۲- بیمه بیکاری برای کارگران الزامی است. قانون استثنائات را تعیین می‌کند. کنفدراسیون این امر را که اشخاص شاغل در فعالیت‌های آزاد می‌توانند در برخی شرایط بیمه شوند، مدنظر دارد.

۳- بیمه بیکاری جبران درآمدها را به نحو احسن تضمین و با انجام تعهدات مالی، تدابیر خاص پیش‌بینی و مبارزه با بیکاری را تشویق می‌نماید.

۴- حق بیمه بیمه شدگان، سرمایه بیمه بیکاری را تأمین می‌کند؛ چنانچه بیمه شدگان جزء مزدگیران باشند کار فرمایان ایشان نیمی از هزینه بیمه را عهده دار می‌شوند. قانون حداکثر میزان درآمد مشمول حق بیمه و همچنین میزان حداکثر حق بیمه را تعیین می‌کند. کنفدراسیون و ایالت‌ها در شرایط استثنایی کمک‌های مالی لازم را ارائه می‌دهند.

۵- ایالت‌ها و سازمان‌های اقتصادی در تدوین و اجرای مقررات قانونی شرکت می‌جویند.

اصل سی و پنجم

۱- کنفدراسیون از صلاحیت قانون‌گذاری در مورد گشایش و بهره‌برداری از قمارخانه‌ها، از جمله دستگاه‌های مورد استفاده در قمار، برخوردار است.

۲- قمارخانه‌ها مشمول امتیازات کنفدراسیون می‌شوند. کنفدراسیون ضمن ارائه این امتیازات، شرایط منطقی و همچنین خطرات مترتب بر قمارخانه را لحاظ می‌کند.

۳- حداکثر وجه قمار را قانون تعیین می‌کند.

۴- پذیرش دستگاه‌های تردستی در حیطة قانون‌گذاری ایالت هاست.

۵- مالیاتی به عنوان ماحصل بهره‌برداری از قمارخانه‌ها و حداکثر معادل ۸۰ درصد درآمد خالص ناشی از بهره‌برداری آنها به حساب کنفدراسیون واریز می‌شود. مبلغ مزبور به عنوان سهم دولت فدرال در بیمه سالخورده‌گان، بازماندگان و معلولین صرف می‌شود.

۶- کنفدراسیون می‌تواند تدابیر لازم مربوط به بخت آزمایی را نیز اتخاذ نماید.

۱ اصل سی و پنجم جدید، مصوب همه پرسن مورخه ۷ مارس سال ۱۹۹۳، فعلاً قابلیت اجرایی ندارد. در مورد متن قدیم نگاه کنید به مجموعه رسمی قوانین فدرال، سال ۱۹۵۹، ص ۲۳۰

اصل سی و ششم

- ۱- پست و تلگراف در سرتاسر سوئیس در حیطة قدرت فدرال قرار دارد.
- ۲- درآمد حاصل از اداره پست و تلگراف به خزانه داری فدرال پرداخت می شود.
- ۳- نرخ های پست و تلگراف در سراسر سوئیس طبق اصول یکسان و تا حد ممکن به نرخ عادلانه تعیین می گردد.
- ۴- عدم افشای نامه ها و تلگرام ها تضمین می شود.

اصل سی و ششم - مکرر - ۱

- ۱- کنفدراسیون از طریق قانونی نسبت به احداث شبکه راه های داخلی و استفاده از آنها اقدام می کند. این امر در مورد طرق ارتباطی خیلی مهم و در بردارنده منافع برای تمامی سوئیس نیز مصداق دارد.
- ۲- ایالت ها تحت نظارت عالی کنفدراسیون و طبق مقررات صادره از سوی مرجع مزبور اقدام به احداث و نگهداری راه های داخلی می کنند. کنفدراسیون می تواند وظایف محوله به یک ایالت را، در صورت درخواست ایالت مزبور یا ایجاب منافع کاری، عهده دار شود.
- ۳- از اراضی زراعی حتی الامکان به دقت استفاده می شود. خسارات وارده ناشی از احداث جاده، به استفاده و بهره برداری از اراضی باید با اخذ تدابیر مناسب جبران و هزینه آن به حساب احداث جاده منظور گردد.
- ۴- هزینه احداث، بهره برداری و نگهداری راه های داخلی بین کنفدراسیون و ایالت ها تقسیم می شود؛ به این منظور هزینه های تحمیل شده ناشی از راه های داخلی بر ایالت ها و همچنین منافع و توان مالی آنها مورد توجه قرار می گیرد.
- ۵- ایالت ها، ضمن لحاظ اختیارات کنفدراسیون، راه های داخلی را اداره می کنند.

اصل سی و ششم - مکرر - ۲

- ۱- کنفدراسیون در راستای انجام وظایف مربوط به حمل و نقل جاده ای، نیمی از درآمد خالص مالیات بر روغن های معدنی سوختی و تمامی مالیات اضافی را در موارد ذیل مورد استفاده قرار می دهد:
 - الف- شرکت در هزینه راه های داخلی؛
 - ب- شرکت در هزینه احداث جاده های اصلی که ضمن برآوردن نیازهای تکنیکی دقیق جزئی از شبکه ای است که شورای فدرال با همکاری ایالت ها طراحی آن را بر عهده دارد؛
 - پ- شرکت در هزینه حذف تقاطع های هم سطح یا افزایش ایمنی آنها و همچنین در هزینه های گسترش حمل و نقل مرکب، حمل و نقل با کامیون های تریلر دار، احداث توقفگاه در بارانداز و سایر تدابیر در جهت جداسازی سیستم های حمل و نقل؛
 - ت- شرکت در هزینه اقدامات حمایتی از محیط زیست و مراعات مورد نیاز حمل و نقل جاده ای موتوری و در ابنیه حفاظتی در برابر حوادث طبیعی در طول راه های مورد استفاده حمل و نقل موتوری؛
 - ث- شرکت همه جانبه در هزینه جاده های مورد استفاده خودروهای موتوری و توزیع هزینه ها به نسبت امکانات مالیات دهندگان در بخش جاده ای؛
 - ج- کمک به ایالت های دارای راه های کوهستانی که در حمل و نقل بین المللی مورد استفاده قرار می گیرند و به ایالت های فاقد راه های داخلی.
- ۲- کنفدراسیون به اندازه کمبود درآمد حاصله از مالیات بر روغن های معدنی برای تضمین تحقق وظایف

مذکور در بند اول، اقدام به اخذ عوارض اضافی می نماید.

اصل سی و ششم - مکرر - ۳

۱- کنفدراسیون می تواند بابت حمل و نقل سنگین، عوارض تهیه یا مصرف دریافت نماید. عوارض مزبور فقط به اندازه نرخي که حمل و نقل مزبور بر جامعه تحمیل می کند و مشمول سایر بدهی ها یا عوارض نمی گردد دریافت می شود.

۲- درآمد خالص عوارض نباید بیشتر از نرخ های غیر مشمول باشد. درآمد مزبور صرف هزینه حمل و نقل جاده ای خواهد شد.

۳- ایالت ها حق استفاده از بخشی از درآمدهای خالص عوارض را دارند. هنگام تعیین حقوق هریک از ایالت ها، به بازگردانی خالص عوارض به مناطق کوهستانی و حومه ها توجه می شود.

اصل سی و ششم - مکرر - ۴

۱- کنفدراسیون به منظور استفاده از راه های داخلی درجه یک و درجه دو، عوارض سالیانه ای معادل ۴۰ فرانک از کامیون ها و یدک کش هایی که در سوئیس یا در خارج از کشور مشخصات آن ثبت شده است و وزن کلی آن از ۳۵ تن تجاوز نمی کند دریافت می دارد. میزان عوارض در حدی که نرخ های حمل و نقل جاده ای ایجاب می کند با صدور مصوبه فدرال به صورت عام که موضوع همه پرسی آزاد باشد تنظیم می شود.

۲- شورای فدرال با صدور تصویب نامه قانونی کارهای اجرایی را تنظیم می کند. شورا همچنین می تواند برخی از کامیون ها را از مشمول عوارض معاف و به خصوص برای جابه جایی در خطوط مرزی مقررات خاص تدوین نماید. مقررات مزبور نباید برای کامیون هایی که در خارج از کشور ثبت شده اند امتیازی به ضرر کامیون های سوئیس قائل شود. شورا می تواند برای موارد تخلف از مقررات، مجازات هایی را پیش بینی کند. ایالت ها می توانند از کامیون های سوئیس عوارض دریافت و بر رعایت مقررات از سوی کلیه رانندگان نظارت نمایند.

۳- به موجب اصل سی و ششم - مکرر - ۲، درآمد خالص ناشی از عوارض همانند درآمد مالیات اضافی به مصرف می رسد.

۴- قانون می تواند دریافت عوارض مزبور را محدود یا حذف نماید. قانون همچنین می تواند دریافت این عوارض را به سایر خودروهایی که مشمول عوارض حمل و نقل سنگین نیستند گسترش دهد.

۵- این اصل از تاریخ ۱ ژانویه سال ۱۹۹۵ قابل اجراست.

اصل سی و ششم - مکرر - ۵

۱- کنفدراسیون از مناطق کوهستانی در قبال تأثیر منفی حمل و نقل ترانزیت حمایت می کند. کنفدراسیون همچنین آثار خطرات ناشی از حمل و نقل ترانزیت را به نحوی که از این بابت به انسان ها، حیوانات و گیاهان و همچنین محیط زیست آنها آسیبی نرسد، محدود می سازد.

۲- کالاهایی که از طریق کوه های آلپ از کشوری به کشور دیگر ترانزیت می شوند با قطار حمل می گردند. شورای فدرال با صدور تصویب نامه قانونی تدابیر متخذه را اعلام می دارد. تخلف از تدابیر مزبور فقط در صورت اضطراب امکان پذیر است که شرایط خاص آن را قانون تعیین می کند.

۳- ظرفیت جاده های مناطق کوهستانی نباید افزایش یابد. راه های فرعی از تباطی بخش ها و قصبات مشمول

۱. نگاه کنید به سند سوم اصل هجدهم مقررات انتقالی

۲. نگاه کنید به اصل بیست و دوم مقررات انتقالی

مقررات مزبور نمی‌شوند.

اصل سی و هفتم

- ۱- کنفدراسیون بر جاده‌ها و پل‌هایی که در نگه‌داری آنها ذی‌نفع است نظارت عالی اعمال می‌کند.
- ۲- هیچ مائیتاتی بر استفاده از راه‌های حمل و نقل عمومی، در محدوده اهداف تعیین شده، مترتب نمی‌گردد. مجلس فدرال می‌تواند در موارد خاص، استثنائاتی را لحاظ نماید.

اصل سی و هفتم - مکرر - ۱

- ۱- کنفدراسیون می‌تواند اقدام به وضع مقررات مربوط به اتومبیل‌ها و وسایل نقلیه دوچرخه نماید.
- ۲- حق محدود یا ممنوع کردن تردد اتومبیل‌ها و وسایل نقلیه دوچرخه برای ایالت‌ها محفوظ است. با وجود این، کنفدراسیون می‌تواند برخی از جاده‌ها را که برای ترانزیت مهم ضروری هستند به‌طور نامحدود یا مشروط باز اعلام نماید. استفاده از جاده‌هایی که در خدمت کنفدراسیون هستند کماکان امکان‌پذیر است.

اصل سی و هفتم - مکرر - ۲

کنفدراسیون از صلاحیت قانون‌گذاری در مورد ناوگان هوایی برخوردار است.

اصل سی و هفتم - مکرر - ۳

- ۱- کنفدراسیون نسبت به تدوین اصول قابل‌اجرا در مورد شبکه‌های راه‌ها و معابر عابریین پیاده اقدام می‌کند.
- ۲- اداره و نگهداری شبکه‌های مزبور به عهده ایالت‌هاست. کنفدراسیون می‌تواند فعالیت‌های آنها را تنظیم یا از آنها حمایت کند.

۳- کنفدراسیون در راستای انجام وظایف خود شبکه‌ها را اداره و راه‌ها و جاده‌های نامناسب را جایگزین می‌نماید.

۴- کنفدراسیون و ایالت‌ها با سازمان‌های خصوصی همکاری می‌کنند.

اصل سی و هشتم

- ۱- کنفدراسیون کلیه حقوقی را که مشمول انحصار دولتی ضرب سکه می‌باشد اعمال می‌کند.
- ۲- فقط کنفدراسیون از حق ضرب سکه برخوردار است.
- ۳- کنفدراسیون نظام پولی را معین می‌کند و در صورت ضرورت می‌تواند دستورالعمل‌های مربوط به تعرفه‌های ارزش مبادله سکه‌های خارجی را صادر نماید.

اصل سی و نهم

- ۱- حق انتشار اسکناس و سایر اوراق اعتباری منحصراً به کنفدراسیون تعلق دارد.
- ۲- کنفدراسیون می‌تواند انحصار خود در زمینه انتشار اسکناس را از طریق یک بانک دولتی تحت مدیریت ویژه اعمال نماید. یا می‌تواند این اختیار را با حفظ حق کسب مجدد این امتیاز، به یک بانک مرکزی سهامی که باید با کمک و تحت کنترل کنفدراسیون اداره شود واگذار نماید.
- ۳- وظیفه اصلی بانکی که انحصار اسکناس به آن واگذار شده است، تنظیم مقررات بازار پول در سوئیس، تسهیل پرداخت‌ها و اجرای سیاست اعتباری و پولی، در چارچوب مجموعه قوانین فدرال و در جهت منافع عمومی کشور است.
- ۴- حداقل دو سوم سود خالص بانک مزبور، پس از کسر بهره یا سود عادلانه سهام مورد استفاده در سرمایه تحت اختیار یا سهام شراکتی و پیش پرداخت به صندوق ذخیره، به ایالت‌ها برمی‌گردد.

۵- بانک مزبور و شعبات آن در ایالت‌ها از مالیات معاف هستند.

۶- کنفدراسیون جز در زمان جنگ یا بحران پولی نمی‌تواند التزام بازپرداخت اسکناس و سایر اوراق اعتباری را معلق یا قبول چنین پولی را اجباری نماید.

۷- اسکناس‌های منتشره باید از پشتوانه طلا یا اوراق بهادار کوتاه مدت برخوردار باشند.

۸- مجموعه قوانین فدرال مقررات مربوط به اجرای این اصل را وضع می‌نماید.

اصل چهارم

۱- کنفدراسیون سیستم اوزان و اندازه‌گیری را تعیین می‌کند.

۲- ایالت‌ها، تحت نظارت کنفدراسیون، قوانین مربوط به سیستم مزبور را اجرا می‌نمایند.

اصل چهارم - مکرر - ۱

کنفدراسیون مقرراتی را عیبیه سوء استفاده از سلاح، تجهیزات، امکانات و وسایل نظامی وضع می‌نماید.

اصل چهارم و یکم

۱- حق تولید و فروش باروت منحصرأ به کنفدراسیون تعلق دارد.

۲- تولید، خرید، فروش و توزیع سلاح، تجهیزات، مواد انفجاری و سایر مهمات جنگی و قطعات منفک آنها مشروط به اجازه کنفدراسیون است. مجوز مزبور فقط به افراد و مؤسساتی که قادر هستند به لحاظ منافع ملی تضمین لازم را ارائه نمایند اعطا می‌گردد. حقوق مؤسسات تحت اداره کنفدراسیون محفوظ است.

۳- واردات و صادرات تسلیحات، تجهیزات و مهمات جنگی مورد نظر در این اصل تنها با اجازه کنفدراسیون انجام می‌گیرد. کنفدراسیون همچنین می‌تواند ترانزیت را مشروط به مجوز نماید.

۴- شورای فدرال، به موجب مجموعه قوانین فدرال با صدور تصویبنامه قانونی مقررات لازم را برای اجرای بندهای دوم و سوم تدوین می‌نماید. شورا همچنین مقررات مربوط به جزئیات اعطا، مدت و لغو مجوزها و کنترل صحت پروانه را تدوین می‌نماید. به علاوه شورا تسلیحات، تجهیزات، مواد انفجاری، سایر مهمات و قطعات منفک مشمول این مقررات را تعیین می‌کند.

اصل چهارم و یکم - مکرر - ۱

۱- کنفدراسیون می‌تواند مالیات‌های مشروحه ذیل را دریافت نماید:

الف- حقوق مربوط به تعمیر روی اوراق بهادار، از جمله کوپن‌ها، اسناد قابل نقل و انتقال و اسناد مشابه؛ رسیدگی حق بیمه و سایر اسناد مربوط به عملیات تجاری، دریافت این حقوق شامل اسناد مربوط به عملیات ساختمانی و وثیقه و... نمی‌شود.

ب- مالیات زودتر از موعد درآمدهای اموال منقول، درآمدهای ناشی از قمار و حقوق بیمه؛

پ- مالیات تنباکوی ناب و تنباکوی پرورده و همچنین سایر مواد و فراورده‌های آن که دارای کاربردی مشابه تنباکوی ناب و تنباکوی پرورده هستند؛

ت- مالیات‌های خاص افراد مقیم خارج از کشور، به منظور تنظیم تدابیر مالیاتی مأخوذه از سوی دول بیگانه.

۲- مواردی را که قانون، مشمول مالیات‌های فدرال مذکور در بند اول قسمت‌های الف، ب و پ، یا معافیت مالیاتی آنها را اعلام نموده است، از کلیه هزینه‌های ناشی از مالیات‌های ایالت‌ها و بخش‌های مشابه کسر می‌شود.

۱. نگاه کنید به اصل دهم مقررات شفاهی

۳- مجموعه قوانین فدرال نحوه اجرای این اصل را تنظیم می‌کند.

اصل چهل و یکم - مکرر - ۲^۱

۱- کنفدراسیون، علاوه بر مالیات‌هایی که به موجب اصل چهل و یکم - مکرر - ۱ صلاحیت دریافت آنها را دارد، می‌تواند مالیات‌های مشروطه ذیل را نیز دریافت کند:

الف- مالیات فروش کل (مالیات ارزش افزوده)؛

ب- مالیات‌های مصارف خاص کالاهای مذکور در بند چهارم؛

پ- مالیات مستقیم فدرال.

مهلت حذف مالیات‌های مذکور در قسمت‌های الف و پ تا پایان سال

۲۰۰۶ است.

۱- مکرر - به منظور اصلاح وضعیت اموال فدرال، کنفدراسیون مطابق قسمت الف بند اول اصل چهل و یکم - مکرر - ۲، حداکثر معادل ۰/۳ از مالیات درآمد کل را برداشت می‌کند.

۲- عایداتی که کنفدراسیون براساس قسمت‌های الف و ب بند اول مشمول مالیات یا معافیت مالیاتی از آن‌ها اعلام نموده از سوی ایالت‌ها و بخش‌ها مورد مالیات مشابه قرار نمی‌گیرند.

۳- مالیات فروش کل به مفهوم مورد نظر قسمت الف بند اول می‌تواند شامل واگذاری اموال و هزینه خدمات و همچنین صادرات براساس سیستم چند مرحله‌ای با کسر مالیات پیشین، نیز گردد. مالیات مزبور حداکثر بر ۶/۲ درصد بالغ می‌شود. ۵ درصد درآمد حاصل از مالیات به تدابیر متخذه در جهت افراد کم درآمد اختصاص می‌یابد.

۳- مکرر - به منظور تضمین سرمایه بیمه سالخورده‌گان و بازماندگان و معلولین، در صورتی که به علت ناشی از تحولات هرم سنی سرمایه مزبور کاملاً تضمین نشده باشد، می‌توان، با صدور مصوبه فدرال به صورت عام که موضوع همه پرسی آزاد باشد، میزان مالیات فروش کل را تا حداکثر ممکن افزایش داد.

۴- مالیات‌های مواد مصرفی خاص موضوع قسمت ب بند اول شامل موارد ذیل می‌شود:

الف- نفت، سایر روغن‌های معدنی، گاز طبیعی و فراورده‌های ناشی از تصفیه آنها و همچنین سوخت‌هایی که از سایر مواد به دست می‌آید (درخصوص مالیات روغن‌های معدنی و مالیات اضافی نگاه کنید به اصل سی و ششم - مکرر - ۲)؛

ب- آبجو؛ هزینه سنگین ناشی از مصرف آبجو و مالیات بر آن، حقوق گمرکی اضافی مواد اولیه کارخانه‌های تولید آبجو و حقوق گمرکی اضافی مشروبات و مالیات بر فروش کل از ۳۱ دسامبر ۱۹۷۱ در همین وضعیت می‌ماند؛

پ- خودروها و قطعات تشکیل دهنده آنها؛ قانون می‌تواند مالیات قطعات منفک خودروها را بر مالیات خودرو بیفزاید.

۵- مالیات مستقیم فدرال براساس قسمت پ بند اول طبق قواعد ذیل برقرار می‌شود:

الف - مالیات می‌تواند شامل درآمد اشخاص حقیقی و همچنین درآمد خالص، سرمایه و ذخایر اشخاص حقوقی شود. اشخاص حقوقی، با هر وضعیت قضائی، براساس توان اقتصادی، به نحو کاملاً قانونی، می‌توانند مشمول پرداخت مالیات شوند.

۱. نگاه کنید به اصول هشتم، هشتم - مکرر - ۱، هشتم - مکرر - ۲، نهم و دهم مقررات انتقالی.

ب- ایالت‌ها مالیات‌ها را از سوی کنفدراسیون جمع‌آوری می‌کنند. یک سوم درآمد خالص ناشی از مالیات به ایالت‌ها داده می‌شود؛ حداقل یک ششم مبلغ پرداختی به ایالت‌ها باید صرف ایجاد موازنه مالی بین ایالت‌ها شود؛

پ- هنگام تنظیم تعرفه‌ها باید به‌طور نسبی هزینه مالیات‌های مستقیم ایالت‌ها و بخش‌ها را مورد توجه قرار داد. مالیات‌ها حداکثر به شرح ذیل بالغ می‌شوند بر: - ۱/۵ درصد درآمد اشخاص حقیقی؛ هنگامی که درآمد خالص افراد مجرد به مرز ۹۷۰۰ فرانک و افراد متأهل ۱۲۲۰۰ فرانک برسد. مشمول مالیات مزبور می‌شوند: - ۹/۸ درصد درآمد خالص اشخاص حقوقی؛

- ۰/۸۲۵ هزارم از سرمایه و ذخیره اشخاص حقوقی.

آثار افزایش مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی به‌طور اقساط جبران

می‌شود.

۶- مجموعه قوانین فدرال نحوه اجرای این اصل را تنظیم می‌کند.

اصل چهل و دوم

کنفدراسیون برای تأمین مخارج خود منابع ذیل را در اختیار دارد:

الف- درآمد ناشی از اموال فدرال؛

ب- درآمد خالص ناشی از ادارات پست، تلگراف و تلفن (اصل سی و ششم) و همچنین درآمد ناشی از فروش باروت (اصل چهل و یکم)؛

پ- درآمد خالص ناشی از مالیات معافیت از خدمت سربازی (بند چهارم اصل هجدهم)؛

ت- درآمد ناشی از عوارض راه‌ها (اصل سی ام)؛

ث- سهم فدرال از درآمد خالص ناشی از مالیات بر نوشیدنی‌های تقطیر شده (اصل سی و دوم - مکرر - ۱ و بند هفتم اصل سی و چهارم - مکرر - ۳) و همچنین سهم فدرال از درآمد خالص ناشی از تفریحات (بند پنجم اصل سی و پنجم)؛

ج- سهم فدرال از بهره خالص بانک مسئول انحصاری چاپ و نشر اسناد بانکی (بند چهارم اصل سی و نهم)؛

چ- درآمد ناشی از مالیات‌های فدرال (اصل چهل و یکم - مکرر - ۱ و اصول بعدی)؛

ح- درآمد ناشی از دستمزد و سایر درآمدهای پیش‌بینی شده در قانون.

اصل چهل و دوم - مکرر - ۱

کنفدراسیون باید کسری ترازنامه خود را مستهلک نماید. کنفدراسیون با توجه به وضعیت اقتصادی برای استهلاک مزبور اقدام می‌کند.

اصل چهل و دوم - مکرر - ۲

کنفدراسیون موازنه مالی بین ایالت‌ها را تشویق می‌کند. به‌خصوص هنگام پرداخت کمک‌های مالی فدرال، توان مالی ایالت‌ها و موقعیت مناطق کوهستانی باید به‌طور نسبی مورد ملاحظه قرار گیرد.

اصل چهل و دوم - مکرر - ۳

کنفدراسیون می‌تواند از طریق قانونی، علیه ترتیبات منعقد با مالیات دهندگان در جهت اعطای مزایای مالی غیرموجه به آنها، مقرراتی را وضع نماید.

اصل چهل و دوم - مکرر - ۴

۱- کنفدراسیون با همکاری ایالت‌ها اقدام به یکسان سازی مالیات‌های مستقیم کنفدراسیون، ایالت‌ها و بخش‌ها می‌نماید.

۲- در این راستا، کنفدراسیون به منظور تدوین اصول تعیین کننده دامنه شمول مالیات، موضوع و نحوه محاسبه مالیات و وقت، آیین دادرسی و حقوق کیفری در زمینه مالیات، برای دستگاه قانون‌گذاری ایالت‌ها اقدام به وضع قانون می‌کند. کنفدراسیون بر این امر نظارت تام اعمال می‌نماید. ایالت‌ها به‌ویژه صلاحیت تعیین میزان، نرخ و مبالغ معافیت مالیاتی را دارند.

۳- کنفدراسیون، ضمن تدوین قوانین بنیادین مربوط به مالیات‌های مستقیم ایالت‌ها و بخش‌ها و قوانین مربوط به مالیات مستقیم فدرال، کوشش‌های ایالت‌ها را در جهت یکسان سازی مالیاتی مورد توجه قرار می‌دهد. ایالت‌ها از مهلت مناسبی جهت تطبیق قوانین مالیاتی خود برخوردارند.

۴- ایالت‌ها در تدوین قوانین فدرال سهیم‌اند.

اصل چهل و سوم

۱- هر شهروند ایالت، شهروند سوئیس محسوب می‌شود.

۲- هر شهروند با این عنوان، پس از احراز شرایط رأی دادن، می‌تواند در محل اقامت خود در کلیه همه‌پرسی‌ها و انتخابات مربوط به فدرال شرکت جوید.

۳- هرکس فقط در یک ایالت از حقوق سیاسی برخوردار است.

۴- یک سوئسی در محل اقامت خود از کلیه حقوق یک شهروند ایالت و، توأمأ از کلیه حقوق ساکنین بخش‌ها نیز برخوردار است. سهمی بودن در حقوق شهروندی بخش و اتحادیه‌ها و حق رأی در اموری که کاملاً به بخش مربوط است از این حقوق مستثنی هستند مشروط بر این که دستگاه قانون‌گذاری ایالت تصمیم دیگری نگیرد.

۵- شهروند مزبور پس از سه ماه اقامت می‌تواند در رأی‌گیری مربوط به امور ایالت و بخش شرکت جوید.

۶- قوانین ایالت در خصوص اقامت و حقوق انتخاباتی که شهروندان ایالت در امور مربوط به بخش از آن برخوردارند، باید به تصویب شورای فدرال برسد.

اصل چهل و چهارم

۱- کنفدراسیون امور مربوط به کسب یا سلب حق شهروندی ناشی از نژاد، ازدواج و فرزندخواندگی و همچنین از دست دادن تابعیت سوئیس و اخذ مجدد آن را عهده دار است.

۲- تابعیت سوئیس از طریق کسب تابعیت در ایالت یا بخش امکان‌پذیر است. کسب تابعیت پس از احراز مجوز واگذاری آن از کنفدراسیون، از سوی ایالت اعلام می‌گردد. کنفدراسیون شرایط جزئی را تعیین می‌کند.

۳- اشخاص واجد تابعیت دارای حقوق و تعهدات تابعین ایالت و بخش هستند. تا حدی که حقوق ایالت پیش‌بینی کند، آنها می‌توانند در امور مربوط به شهروندی و اتحادیه‌ها شرکت جویند.

اصل چهل و پنجم

۱- هر شهروند سوئسی در هر نقطه از کشور می‌تواند اقامت نماید.

۲- هیچ شهروند سوئسی را نمی‌توان از کشور اخراج کرد.

اصل چهل و پنجم - مکرر - ۱

- ۱- کنفدراسیون مجاز است پیوندهایی که سوئیسی‌های مقیم خارج از کشور را با هم و با وطن خود مرتبط می‌سازد تقویت و از سازمان‌هایی که به این منظور بنیانگذاری شده‌اند حمایت کند.
- ۲- کنفدراسیون، با توجه به موقعیت ویژه سوئیسی‌های مقیم خارج از کشور، می‌تواند مقرراتی را به منظور تعیین حقوق و تعهدات، به ویژه راجع به اعمال حقوق سیاسی و اجرای تعهدات نظامی و همچنین در زمینه امداد و کمک‌رسانی، تدوین نماید. ایالت‌ها پیش از تصویب مقررات مزبور مورد شور واقع می‌شوند.

اصل چهل و ششم

- ۱- اشخاص مقیم سوئیس، در موارد مربوط به حقوق مدنی، در چارچوب یک قانون کلی تابع صلاحیت قضائی و قانون محل اقامت خود هستند.
- ۲- دستگاه قانون‌گذاری فدرال مقررات لازم را به منظور اجرای این اصل و ممانعت از اخذ مالیات مضاعف از اشخاص وضع می‌نماید.

اصل چهل و هفتم

- قانون فدرال تعیین تفاوت اقامت دائمی و اقامت موقت و توأمأ وضع قواعدی را که سوئیسی‌ها در اقامت موقت، در موارد مربوط به حقوق مدنی و سیاسی از آن تبعیت می‌کنند به عهده دارد.

اصل چهل و هشتم

- ۱- ایالت به افراد نیازمند مقیم مساعدت لازم را ارائه می‌دهد. هزینه این امداد رسانی را ایالت محل اقامت تقبل می‌کند.
- ۲- کنفدراسیون می‌تواند به آخرین ایالت محل اقامت یا ایالت محل اقامت فرد نیازمند کمک کند.

اصل چهل و نهم

- ۱- آزادی مسنک و مذهب غیر قابل تعرض است.
- ۲- هیچ کس نباید ملزم به عضویت در انجمن مذهبی خاصی شود، یا مجبور به پیروی از تعالیم مذهبی خاصی یا به جا آوردن مراسم مذهبی خاصی گردد. یا به دلیل عقیده مذهبی هرگونه مجازاتی را متحمل گردد.
- ۳- کسی که از حق پدری یا قیمومیت برخوردار است حق دارد طبق اصول فوق در مورد آموزش مذهبی فرزندان خود تا ۱۶ سالگی تصمیم بگیرد.
- ۴- هیچ دستور العمل یا شرایط کلیسایی یا مذهبی نباید اعمال حقوق مدنی یا سیاسی را محدود نماید.
- ۵- هیچ کس نمی‌تواند به دلیل اعتقاد مذهبی از اجرای وظایف مدنی خود سرباز زند.
- ۶- هیچ کس مجبور نیست مالیات‌هایی را که به طور اخص صرف هزینه‌های خاص مراسم و تشریفات یک جامعه مذهبی که وی به آن تعلق ندارد می‌گردد بپردازد. اجرای این اصل در آینده منوط به مجموعه قوانین فدرال است.

اصل پنجاهم

- ۱- برگزاری آزادانه مراسم مذهبی در چارچوب نظم عمومی و مطابق با آداب و سنن متناسب تضمین شده است.
- ۲- ایالت‌ها و کنفدراسیون می‌توانند تدابیر لازم را به منظور حفظ نظم و آرامش عمومی بین پیروان جوامع مختلف مذهبی را به منظور مقابله با تجاوزهای مقامات کلیسایی به حقوق شهروندان و دولت، اتخاذ نمایند.

- ۳- تعارض حقوق عمومی یا خصوصی ناشی از ایجاد موانع جدید مذهبی یا انشعاب و تفرقه در میان جوامع مذهبی موجود را می‌توان جهت استیناف به مراجع صلاحیتدار فدرال ارجاع داد.
- ۴- نمی‌توان بدون موافقت کنفدراسیون در خاک سوئیس منطقه تحت حاکمیت اسقف ایجاد نمود.

اصل پنجاه و یکم^۱

منسوخ گردیده است.

اصل پنجاه و دوم^۲

منسوخ گردیده است.

اصل پنجاه و سوم

- ۱- احوال شخصیه و ثبت آنها در صلاحیت مراجع مدنی است. مقررات بعدی در این زمینه را مجموعه قوانین فدرال وضع خواهد نمود.
- ۲- دفن اموات از حقوق مراجع مدنی است، که باید مراقب باشند تا هرکس که فوت می‌کند به طور شایسته به خاک سپرده شود.

اصل پنجاه و چهارم

- ۱- حق ازدواج تحت حکایت کنفدراسیون قرار دارد.
- ۲- اعتقاد مذهبی یا فقر یا رفتار یکی از طرف‌های ازدواج، یا سایر علل امنیتی، مانع ازدواج نمی‌شود.
- ۳- ازدواجی که در هر ایالت یا در هر کشور خارجی براساس قانون حاکم بر آنها صورت گرفته باشد در سراسر کنفدراسیون به رسمیت شناخته می‌شود.
- ۴- بچه‌هایی که قبل از ازدواج متولد می‌شوند با ازدواج متعاقب والدین خود مشروع می‌گردند.
- ۵- اخذ هیچ گونه هزینه پذیرش یا مالیات مشابه دیگر، از هر یک از طرفین ازدواج، مجاز نیست.

اصل پنجاه و پنجم

۱- آزادی مطبوعات تضمین شده است.

۲ و ۳- منسوخ گردیده‌اند.^۳

اصل پنجاه و پنجم - مکرر - ۱

- ۱- کنفدراسیون از صلاحیت قانون‌گذاری در خصوص رادیو و تلویزیون و همچنین دیگر اشکال پخش عمومی تولیدات و اطلاعات با فناوری ارتباط از راه دور برخوردار است.
- ۲- رادیو و تلویزیون ضمن این که در رشد فرهنگی، شکل‌گیری آزادانه عقاید و در تفریحات شنوندگان و بینندگان سهیم است، ویژگی‌های کشورهای نیازهای ایالت‌ها را مورد توجه قرار داده و اخبار را بدون تحریف و اختلاف نظرات را صادقانه منعکس نماید.
- ۳- عدم وابستگی رادیو و تلویزیون و همچنین استقلال آنها در برنامه‌ریزی در محدوده تعیین شده بند دوم تضمین می‌شود.
- ۴- وظیفه و موقعیت سایر وسایل ارتباطی به‌ویژه مطبوعات باید مورد توجه قرار گیرد.

۱. نسخ اصول پنجاه و یکم و پنجاه و دوم (در خصوص یسوعیون و صومعه‌ها) در همه پرسی همگانی مورخه ۲۰ مه سال ۱۹۷۳ مورد تصویب قرار گرفت.

۲. ۱۹۵۵.

۳. بندهای دوم و سوم این اصل با قابلیت اجرایی یافتن مجموعه قوانین کیفری سوئیس در تاریخ ۲۱ دسامبر سال ۱۹۳۷ منسوخ گردید (نگاه کنید به یادداشت اصل شصت و چهارم - مکرر - ۱).

۵- کنفدراسیون نسبت به ایجاد دفتر مستقل بررسی شکایات اقدام می‌نماید.

اصل پنجاه و ششم

شهروندان از حق تشکیل انجمن برخوردارند، مشروط بر این که نه هدف انجمن و نه امکاناتی که انجمن به کار می‌گیرد به هیچ وجه غیر قانونی نباشد یا خطری را متوجه دولت ننماید. قوانین ایالت باید مقررات لازم را جهت جلوگیری از سوء استفاده از این حق وضع نماید.

اصل پنجاه و هفتم

حق دادخواست تضمین شده است.

اصل پنجاه و هشتم

۱- هیچ کس نباید از داشتن قاضی عادی محروم شود. در نتیجه، هیچ گونه محکمه قضائی فوق العاده نباید تشکیل شود.

۲- دادگاه‌های کیسایی ملغی می‌شوند.

اصل پنجاه و نهم

۱- در دادخواست خصوصی، بدهکارانی که قادر به پرداخت دیون خود هستند و در سوئیس سکونت دارند باید در مقابل قاضی محل سکونت خود مورد بازجویی قرار گیرند؛ در نتیجه به موجب دادخواست خصوصی دارای بدهکار جز در محل سکونت وی ضبط یا توقیف نمی‌شود.

۲- مفاد مقررات پیمان‌های بین‌المللی در مورد بیگانگان به قوت خود باقی است. ۳- توقیف به علت بدهکاری مجاز نیست.

اصل شصتم

ایالت‌ها موظفند در قانون‌گذاری و در آیین دادرسی خود، با اتباع ایالت‌ها دیگر کنفدراسیون مانند اتباع خود رفتار نمایند.

اصل شصت و یکم

احکام مدنی قطعی که یک ایالت صادر می‌کند در تمامی خاک سوئیس قابل اجراست.

اصل شصت و دوم

عوارض بر خروج اموال^۱ [توسط مهاجران] و همچنین حق شفعه قانونی^۲ شهروندان یک ایالت بر اموال غیر منقول انتقالی یا هبه شده به بیگانگان در قبایل شهروندان سایر دول عضو کنفدراسیون ملغی است.

اصل شصت و سوم

مالیات نقل و انتقال اموال به کشورهای دیگر جز در موارد رفتار متقابل منسوخ است.

اصل شصت و چهارم

۱- کنفدراسیون از صلاحیت قانون‌گذاری در زمینه موضوعات ذیل برخوردار است:

۱ عبارت "règle foraine" در متن فرانسه‌ی قانون اساسی سوئیس به معنی کتبه حقوق مأخوذ از امرالی است که از ایالت خارج می‌گردد شخصی که قصد ترک ایالت را داشته می‌باید بخشی از اموال خود را، در حدود ۱۰٪ در ایالت به جای می‌گذارد. این امر با اصول «آزادی اقامت»، «آزادی مهاجرت» و «آزادی گردش اموال» در تضاد بود. در قانون اساسی سال ۱۷۹۸ و در اصلاحات بعدی حذف شد.

۲ حق شفعه قانونی (Droit de retrait) به مفهومی حقوقی و متعلق به شهروندان یک ایالت بود و ایشان را قادر می‌ساخت تا کتبه اموال غیر منقول انتقالی یا هبه شده به بیگانگان را در قبال پرداخت ارزش آن تصاحب نمایند. هدف از ایجاد حق مزبور حفظ مالکیت ارضی در دایره محدود شهروندان یک ایالت بود. این حق شفعه غیر از حق شفعه مدنی (Droit de preemption) است. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

AUBERT Gabriel, AUBERT Jean- Francois, etc. : Commentaire de la Constitution Federale de la Confederation Suisse du 29 mai 1874; Editions: Heibing & Lichtenhahn SA Bale Schulthess Polygraphiques SA Zurich Staempfli & Cie SA Berne; Suisse.

- اهلیت مدنی.
- کلیه موارد حقوقی مربوط به تجارت و معاملات دارای منقول (حقوق تعهدات از جمله حقوق تجارت و حقوق مبادلات ارزی)،
- مالکیت آثار ادبی و هنری.
- حمایت از اختراعات قابل کاربرد در صنایع، از جمله طرح‌ها و مدل‌ها،
- تعقیب به علت بدهی و ورشکستگی.
- ۲- کنفدراسیون همچنین مجاز است در زمینه موضوعات دیگر حقوق مدنی نسبت به وضع قانون اقدام نماید.

۳- تشکیلات. آیین دادرسی و اداره دستگاه قضائی مانند گذشته در صلاحیت ایالت‌ها است.
اصل شصت و چهارم - مکرر - ۱

- ۱- کنفدراسیون مجاز است در زمینه حقوق جزائی اقدام به وضع قانون نماید.
- ۲- تشکیلات. آیین دادرسی و اداره دستگاه قضائی مانند گذشته در صلاحیت ایالت‌ها است. کنفدراسیون مجاز است به منظور ساخت زندان‌ها، کارگاه‌ها، دارالتأدیب‌ها و برای تحقق اصلاحاتی در نحوه اجرای محکومیت‌ها، به ایالت‌ها و همچنین به منظور حمایت از کودکان بی سرپرست، به مؤسسات متصدی این امر، کمک مالی نماید.^۱

اصل شصت و چهارم - مکرر - ۲

کنفدراسیون و ایالت‌ها بر انتفاع قربانیان جرایم علیه حیات یا کمال جسمانی از کمک ارائه شده، نظارت دارند. چنانچه از تکاب جرم موجب بروز مشکلات مالی برای قربانی شود، کمک مزبور به جبران خسارتی عادلانه منجر می‌شود.

اصل شصت و پنجم

- ۱- جرایم سیاسی مشمول محکومیت به مرگ نمی‌شود.
- ۲- تنبیهات بدنی ممنوع است.

اصل شصت و ششم

مجموعه قوانین فدرال شرایط محرومیت شهروندان سوئسی از حقوق سیاسی خود را تعیین می‌نماید.

اصل شصت و هفتم

مجموعه قوانین فدرال مقررات لازم جهت استرداد مجرمین از یک ایالت به ایالت دیگر را وضع می‌نماید؛ با این وجود استرداد در جرایم سیاسی یا مطبوعاتی می‌تواند اجباری نباشد.

اصل شصت و هشتم

قانون فدرال تدابیری را به منظور اعطای تابعیت به افراد فاقد ملیت و به منظور پیشگیری از مسائلی از این نوع، اتخاذ می‌نماید.

۱- چندین مرتبه تعدد قانون اساسی فدرال، مقررده مصوبه فدرال مورخه ۲۱ دسامبر سال ۱۸۹۸ را به عنوان بند چهارم اصل شصت و چهارم - مکرر - ۱ فستاد در دادان، متن مقررده مزبور به شرح ذیل است: «بندهای دوم و سوم اصل پنجاه و پنجم قانون اساسی فدرال پس از توشیح مجموعه قوانین کیفری منسوخ می‌گردند. اما این مقررات براساس طرح مورد همه بررسی همگانی و نه براساس محتوای آن جزء اصل شصت و چهارم - مکرر - ۱ نمی‌باشد. لذا قرار دادن این مقررده در زمره مقررات انتقالی درست می‌نماید. نگاه کنید به مصوبه فدرال مورخه ۲۱ دسامبر سال ۱۸۹۸ (مجموعه رسمی قوانین فدرال، ش. ۱۶ ص ۸۲۷، به بعد).

اصل شصت و نهم

کنفدراسیون مجاز است به منظور مبارزه با امراض مسری، بسیار شایع، یا بسیار خطرناک برای افراد و حیوانات تدابیری اتخاذ نماید.

اصل شصت و نهم - مکرر - ۱

۱- کنفدراسیون می تواند در موارد ذیل اقدام به وضع قانون نماید:

الف- تجارت مواد غذایی؛

ب- تجارت کالاهای خانگی و سایر وسایل مصرفی که سلامتی یا حیات را به خطر اندازند.

۲- ایالت ها این مقررات را به اجرا در می آورند.

۳- کنفدراسیون مسئول کنترل واردات در مرزهای ملی است.

اصل شصت و نهم - مکرر - ۲

۱- کنفدراسیون مجاز است در زمینه ورود، خروج، سکونت موقت و اقامت بیگانگان اقدام به وضع قانون نماید.

۲- ایالت ها بر اساس حقوق فدرال، در مورد سکونت موقت و اقامت تصمیم گیری می کنند. تصمیمات مربوط به اجازه سکونت موقت و اقامت، طبق قانون فدرال توسط ایالت ها اتخاذ می گردد. با این وجود،

کنفدراسیون می تواند در زمینه موضوعات ذیل تصمیم نهایی را اتخاذ نماید:

الف- مجوزهای ایالت ها برای سکونت دراز مدت و همچنین مجوز اقامت؛

ب- تخطی از معاهدات مربوط به اقامت؛

پ- اخراج از ایالت ها که تأثیر آن بر خاک کنفدراسیون حتمی است؛

ت- عدم اعضای پناهنده کی.

اصل هفتادم

کنفدراسیون می تواند بیگانگان محل امنیت داخلی و خارجی سوئیس را از کشور اخراج کند.

فصل دوم - ارکان فدرال

۱- مجلس فدرال

اصل هفتاد و یکم

به موجب حقوق مردم و ایالت ها (اصول هشتاد و نهم و صد و بیست و یکم)^۱ مجلس فدرال مقتدرترین رکن کنفدراسیون محسوب می شود. مجلس فدرال از دو بخش به شرح ذیل تشکیل شده است:

الف- شورای ملی؛

ب- شورای دول.

الف- شورای ملی

اصل هفتاد و دوم

۱- شورای ملی متشکل از دو بیست نماینده مردم سوئیس است.

۲- کرسی ها به نسبت جمعیت بین ایالت ها و شهرستان ها تقسیم شده اند و هر ایالت یا شهرستانی حداقل از

^۱ همچنین نگاه کنید به اصول هشتاد و نهم، هشتاد و یکم، صد و بیست و یکم، صد و بیست و یکم و صد و بیست و سوم

حق داشتن یک کرسی برخوردار است.

۳- قانون فدرال مقررات تفصیلی را تنظیم می‌کند.

اصل هفتاد و سوم

۱- انتخابات شورای ملی به‌طور مستقیم برگزار می‌شود. هر ایالت یا شهرستانی یک حوزه انتخاباتی محسوب می‌شود و انتخابات مزبور براساس اصل تناسب انجام می‌شود.

۲- مجموعه قوانین فدرال مقررات تفصیلی به کارگیری اصل تناسب را تدوین می‌نماید.

اصل هفتاد و چهارم

۱- هر مرد و زن سوئسی دارای حقوق و وظایفی در امر انتخابات و رأی‌گیری فدرال هستند.

۲- هر مرد و زن سوئسی دارای ۱۸ سال تمام که قانون کنفدراسیون وی را از حقوق سیاسی محروم نکرده باشد، از حق شرکت در انتخابات و رأی‌گیری برخوردار است.

۳- کنفدراسیون می‌تواند مقررات قانونی یکسان درخصوص حق شرکت در انتخابات و رأی‌گیری در مسائل فدرال را تدوین نماید.

۴- حقوق ایالتی درخصوص رأی‌گیری و انتخابات مربوط به ایالت و بخش نیز صادق است.

اصل هفتاد و پنجم

هر فرد سوئسی لاییک و دارای حق رأی، حائز شرایط لازم برای انتخاب شدن به عنوان عضو شورای ملی است.

اصل هفتاد و ششم

شورای ملی برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌شود و اعضای آن در هر دوره به‌طور کامل عوض می‌شوند.

اصل هفتاد و هفتم

نمایندگان عضو شورای دول، اعضای شورای فدرال و مقامات منصوب شده از سوی شورای مزبور نمی‌توانند توأماً عضو شورای ملی نیز باشند.

اصل هفتاد و هشتم^۱

۱- شورای ملی از بین اعضای خود برای هر نشست عادی یا ویژه یک رئیس و یک نایب رئیس برمی‌گزیند.

۲- عضوی که طی یک نشست عادی به ریاست شورا برگزیده می‌شود، در نشست عادی بعد نمی‌تواند به عنوان رئیس یا نایب رئیس برگزیده شود.

۳- عضو مزبور نمی‌تواند طی دو نشست عادی پی در پی به عنوان نایب رئیس برگزیده شود.

۴- در صورت بروز تساوی آرا، رئیس دارای رأی قاطع خواهد بود؛ در انتخابات، رئیس شورا مانند سایرین از حق رأی برخوردار است.

اصل هفتاد و نهم

به اعضای شورای ملی از محل صندوق فدرال حقوق پرداخت می‌گردد.

۱. در متن قانون اساسی به زبان‌های آلمانی و ایتالیایی، اصل هفتاد و هشتم دارای سه بند است به این صورت که بندهای دوم و سوم تن فرانسه در یک بند گنجانده شده‌اند.

ب- شورای دول

اصل هشتماد

شورای دول متشکل از چهل و شش نماینده از ایالت هاست. هر ایالت دو نماینده منصوب می‌کند: در ایالت‌های تقسیم شده هر نیمه ایالت یک نماینده انتخاب می‌کند.

اصل هشتماد و یکم

اعضای شورای ملی یا شورای فدرال نمی‌توانند در عین حال نمایندگان عضو شورای دول نیز باشند.

اصل هشتماد و دوم

۱- شورای دول از بین اعضای خود برای هر نشست عادی یا فوق العاده یک رئیس و یک نایب رئیس برمی‌گزیند.

۲- نمی‌توان رئیس یا نایب رئیس را از میان نمایندگان ایالتی انتخاب کرد که نماینده آن ریاست نشست عادی پیشین را عهده دار بوده است.

۳- نمایندگان ایالت مزبور نمی‌توانند ضمن دو نشست عادی متوالی دارای پست نایب رئیس باشند.

۴- در صورت تساوی آراء، رئیس شورای راسا تصمیم‌گیری می‌کند؛ در انتخابات، رئیس شورا مانند سایرین از حق رأی برخوردار است.

اصل هشتماد و سوم

ایالت‌ها عهده دار پرداخت حقوق به اعضای شورای دول هستند.

پ- اختیارات مجلس فدرال

اصل هشتماد و چهارم

شورای ملی و شورای دول در مورد کسبه موضوعاتی که این قانون اساسی در حیطة صلاحیت کنفدراسیون قرار داده است و به سایر مراجع فدرال واگذار نگردیده است به بحث می‌پردازند.

اصل هشتماد و پنجم

موارد ذیل موضوعات اصلی موجود در حیطة صلاحیت هر دو شورا هستند:

۱- قوانین مربوط به تشکیلات و شیوه انتخاب مقامات فدرال؛

۲- قوانین و مصوبات مربوط به موضوعاتی که قانون اساسی در حیطة صلاحیت فدرال قرار داده است؛

۳- حقوق و مزایای شخصیت‌های عالی رتبه فدرال و مقام وزارت دادگستری فدرال؛

ایجاد مشاغل دائمی تحت نظر فدرال و تعیین حقوق قابل پرداخت؛

۴- انتخاب شورای فدرال، دادگاه فدرال، رئیس دیوان عالی کشور و فرمانده کل ارتش فدرال.

مجموعه قوانین فدرال می‌تواند سایر اختیارات مربوط به انتخابات و

تأیید انتخابات را به مجلس واگذار نماید.

۵- اتحاد و انعقاد معاهده با دول بیگانه و تأیید معاهداتی که ایالت‌ها با یکدیگر یا با کشورهای خارجی می‌بندند؛ مع ذلك فقط در صورت درخواست شورای فدرال یا یکی از ایالت‌ها معاهدات منعقد به مجلس فدرال ارجاع داده می‌شود.

۶- تأییدی در جهت امنیت خارجی و حفظ استقلال و بی‌طرفی سوئیس؛ اعلان جنگ و عقد قرارداد صلح؛

۷- تضمین قوانین اساسی و سرزمین ایالت‌ها؛ مداخله ناشی از تضمین مزبور؛

تدابیری در جهت امنیت داخلی و حفظ آرامش و نظم؛ عفو عمومی و حق عفو؛
۸- تدابیری در جهت رعایت قانون اساسی فدرال و تضمین قوانین اساسی ایالت‌ها و انجام تعهداتی که هدف
آنها اجرای وظایف فدرال است؛

۹- حق داشتن ارتش فدرال؛

۱۰- تدوین و تنظیم بودجه و تصویب حساب‌های دولتی و احکام مجوز استقراض؛

۱۱- نظارت عالی بر تشکیلات اداری و قضائی فدرال؛

۱۲- اعتراض علیه تصمیمات شورای فدرال مربوط به اختلافات اداری (اصل صد و سیزدهم)؛

۱۳- تعارض صلاحیت بین مراجع فدرال؛

۱۴- بازنگری در قانون اساسی فدرال.

اصل هشتاد و هشتم

۱- دو شورا در یک نشست عادی سالانه، در روز تعیین شده در آیین‌نامه شرکت می‌جویند.

۲- هر دو شورا به درخواست شورای فدرال یا یک چهارم اعضای شورای ملی یا پنج ایالت برای نشست
فوق العاده احضار می‌شوند.

اصل هشتاد و نهم

هر شورا تنها در صورت وجود اکثریت مطلق اعضایش می‌تواند اعلام نظر نماید.

اصل هشتاد و هشتم

در شورای ملی و شورای دول تصمیمات با نظر اکثریت مطلق رأی‌دهندگان اتخاذ می‌گردد.

اصل هشتاد و نهم

۱- رد قوانین و مصوبات فدرال مستلزم توافق دو شورا است.

۲- قوانین و مصوبات فدرال به صورت عام، در صورت درخواست ۵۰۰۰۰ شهروند سوئیزی دارای حق
رأی، یا هشت ایالت، جهت تصویب یا رد به رأی مردم ارجاع خواهد شد.

۳- بند دوم در مورد انواع قراردادهای بین‌المللی، به شرح ذیل، قابل اجراست:
قراردادهایی که:

الف- دارای مدت نامعین و غیر قابل فسخ هستند؛

ب- الحاق به یک سازمان بین‌المللی را پیش‌بینی می‌کنند؛

پ- هماهنگی چندجانبه حقوقی را به دنبال دارد.

۴- با توافق دو شورا بند دوم در مورد سایر قراردادهای قابل اجراست.

۵- الحاق به سازمان‌های امنیت جمعی یا به جوامع فراملیتی مستلزم رأی مردم و ایالت‌هاست.

اصل هشتاد و نهم - مکرر - ۱

۱- مصوبات فدرال به صورت عام را که اجرای آنها قابل به تأخیر انداختن نیست، می‌توان بلافاصله پس از
اخذ تصمیم با اکثریت مطلق اعضای هر یک از شوراها، به فوریت به مرحله اجرا گذاشت؛ مدت زمان اجرایی
این مصوبات باید محدود باشد.

۲- در صورت درخواست ۵۰۰۰۰ شهروند دارای حق رأی یا هشت ایالت، مصوبات فدرال که به‌طور
اضطراری به اجرا درآمده‌اند یکسال پس از تاریخ تصویب آنها در مجلس فدرال، در صورت عدم تأیید مردم

طی این مدت، اعتبار خود را از دست می دهند.

۳- مصوبات فدرال که به طور اضطراری به اجرا در آمده اند و مغایر با قانون اساسی هستند، باید طی یک سال پس از تصویب آنها در مجلس فدرال مورد تأیید مردم و ایالت ها قرار گیرند؛ چنانچه به این ترتیب به تأیید نرسند در پایان این دوره فاقد اعتبار خواهند بود و نمی توان آنها را تجدید کرد.

اصل نودم

قوانین فدرال نحوه و مدت نظارت بر رأی گیری های عمومی را تعیین می نماید.

اصل نود و یکم

اعضای هر دو شورا آزادانه در رأی گیری شرکت می کنند.

اصل نود و دوم

هر دو شورا به طور جداگانه اعلام نظر می کنند. اما در خصوص انتخابات مذکور در بند چهارم اصل هشتاد و پنجم، اعمال حق غفور یا اعلام نظر در مورد تعارض صلاحیت ها (اصل هشتاد و پنجم، شماره ۱۳) هر دو شورا تحت ریاست رئیس شورای ملی جلسه مشترک تشکیل می دهند و با رأی اکثریت اعضای دو شورا تصمیمات اتخاذ می گردد.

اصل نود و سوم

۱- هر یک از دو شورا و اعضای هر یک از آنها از حق طرح و پیشنهاد قانون برخوردار هستند.

۲- ایالت ها می توانند همین حق را به وسیله مکاتبه اعمال نمایند.

اصل نود و چهارم

جلسه شورا قاعده تا به طور علنی برگزار می شود.

۲- شورای فدرال

اصل نود و پنجم

شوری فدرال، متشکل از هفت عضو، بالاترین قدرت اداری و اجرایی را در کنفدراسیون اعمال می کند.

اصل نود و ششم

۱- مجمع اعضای دو شورا، اعضای شورای فدرال را برای مدت چهار سال، از بین کلیه شهروندان سوئیسی واجد شرایط انتخاب در شورای ملی برمی گزینند. مع ذلک نمی توان اکثر اعضای شورای فدرال را از یک ایالت انتخاب نمود.

۲- پس از هر تجدید سازمان کلی شورای ملی، شورای فدرال نیز مجدداً سازماندهی می شود.

۳- اعضای که سمت آنها ظرف چهار سال بلا تصدی می شود، در اولین نشست مجلس فدرال برای باقی مانده دوره انجام وظیفه شان جایگزین می گردند.

اصل نود و هفتم

اعضای شورای فدرال مادامی که در این سمت باقی هستند نمی توانند چه در خدمت کنفدراسیون و چه در خدمت ایالت متصدی پست دیگری باشند و همچنین نمی توانند شغل یا حرفه دیگری را برگزینند.

اصل نود و هشتم^۱

- ۱- رئیس کنفدراسیون ریاست شورای فدرال را نیز عهده دار است. ریاست شورای فدرال دارای نایب رئیس نیز می‌باشد.
- ۲- رئیس کنفدراسیون و نایب رئیس شورای فدرال را مجلس فدرال از بین اعضای خود برای مدت یک سال به این سمت منصوب می‌کند.
- ۳- رئیس کنفدراسیون پس از اتمام مأموریت در سال بعد نمی‌تواند به عنوان رئیس یا نایب رئیس برگزیده شود.
- ۴- وی همچنین نمی‌تواند طی دو سال بعد عهده دار سمت نیابت ریاست گردد.

اصل نود و نهم

رئیس کنفدراسیون و سایر اعضای شورای فدرال حقوق خود را به‌طور سالانه از صندوق فدرال دریافت می‌دارند.

اصل صد

شورای فدرال در صورت حضور حداقل چهار نفر از اعضایش می‌تواند اعلام نظر نماید.

اصل صد و یکم

اعضای شورای فدرال در دو بخش مجلس فدرال دارای نقش مشورتی بوده و از حق ارائه پیشنهاد در مورد موضوعات مورد بحث برخوردارند.

اصل صد و دوم

اختیارات و مسئولیت‌های شورای فدرال، در محدوده این قانون اساسی، عبارتند از:

- ۱- اداره امور فدرال مطابق با قوانین و مصوبات کنفدراسیون؛
- ۲- نظارت بر رعایت قانون اساسی، قوانین و مصوبات کنفدراسیون و مفاد قراردادهای فدرال؛ شورا رأساً یا چنانچه شکایات به اندازه‌ای نباشد که طبق اصل سیزدهم باید به دیوان فدرال ارجاع شود، براساس شکایات تدابیر لازم برای مجاب ساختن افراد به رعایت قانون اساسی را اتخاذ می‌نماید؛
- ۳- نظارت بر تضمین قوانین اساسی ایالت‌ها؛
- ۴- ارائه طرح‌های قانونی یا مصوبات به مجلس فدرال و اعلام نظر در مورد پیشنهادهای ارائه شده شوراها یا ایالت‌ها؛
- ۵- فراهم ساختن امکانات لازم برای اجرای قوانین و مصوبات کنفدراسیون و آرای دیوان فدرال و همچنین مصالحه نامه‌ها یا احکام داور در امر اختلافات بین ایالت‌ها؛
- ۶- انجام انتصابات که به مجلس فدرال یا دیوان فدرال یا به سایر مراکز قدرت واگذار نشده است؛
- ۷- بررسی و در صورت لزوم تصویب قراردادهای ایالت‌ها بین خود و با کشورهای بیگانه (اصل هشتاد و پنجم، شماره ۵)؛
- ۸- نظارت بر منافع کنفدراسیون در خارج از کشور به‌ویژه بر حفظ روابط بین‌المللی و به‌طور کلی شورا مسئولیت روابط خارجی را عهده دار است؛
- ۹- نظارت بر امنیت خارجی سوئیس، حفظ استقلال و بی‌طرفی کشور؛

^۱ در متن قانون اساسی به زبان‌های آلمانی و ایتالیایی اصل نود و هشتم فقط دارای دو بند است.

۱۰- نظارت بر امنیت داخلی، حفظ آرامش و نظم؛

۱۱- تشکیل و در اختیار داشتن ارتش در موارد اضطراری و در صورت عدم تشکیل جلسه مجلس فدرال، ضمن توجه به احضار سریع شوراها در صورتی که تعداد نفرات ارتش تشکیل یافته متجاوز از دو هزار نفر یا بیش از سه هفته به حالت آمهه باش باشد؛

۱۲- مسئولیت کلیه امور مربوط به ارتش فدرال و کلیه بخش های اداری متعلق به کنفدراسیون؛

۱۳- بررسی قوانین و تصویب نامه های قانونی ایالت ها که باید به تصویب شورا برسد؛
نظارت بر بخش های اداری تحت کنترل شورا در ایالت ها؛

۱۴- اداره سرمایه های کنفدراسیون، ارائه طرح بودجه و محاسبه مداخل و مخارج؛

۱۵- نظارت بر عملکرد کلیه کارمندان و مستخدمین ادارات فدرال؛

۱۶- ارائه عملکرد خود در هر نشست عادی به مجلس فدرال، گزارش وضعیت داخلی و خارجی کنفدراسیون و توجه دادن به تدابیری که برای پیشرفت و موفقیت عمومی مفید به نظر می رسد. شورا همچنین در صورت درخواست مجلس فدرال یا یکی از بخش های آن، گزارش ویژه ای ارائه خواهد نمود.

اصل صد و سوم

۱- امیر شورای فدرال بین اعضای شورا تقسیم می شود. شورای فدرال به مثابه یک رکن مقتدر، تصمیماتی اتخاذ می کند.

۲- مجموعه قوانین فدرال می تواند تشکیلات یا واحدهای خدماتی وابسته به خود را مجاز نماید تا ضمن لحاظ حق ارجاع، برخی از امور را خود انجام دهند.

۳- مجموعه قوانین فدرال را که در آن موارد حق ارجاع در دیوان اداری فدرال اعمال می شود تعیین می کند.

اصل صد و چهارم

تشریح فدرال و تشکیلات آن مجازند برای اظهار نظر در خصوص موضوعات خاص از متخصصین دعوت به عمل آورند.

۳- مَهر داری فدرال

اصل صد و پنجم

۱- مَهر داری فدرال که مَهر دار کنفدراسیون در رأس آن قرار دارد، مسئولی دبیرخانه مجلس فدرال و شورای فدرال را عهده دار است.

۲- مجلس فدرال مَهر دار را برای یک دوره چهار ساله، معادل دوره انجام وظیفه شورای فدرال، انتخاب می کند.

۳- مَهر داری تحت نظارت خاص شورای فدرال قرار دارد.

۱- مَهر دار (chancelier) عنوانی اداری است که ریشه در عهد باستان دارد. نزد رومی ها افسران جزء حقوقی cancellarius نامیده می شدند. در قرون وسطی کارکنان عالی رتبه ای که مَهر پرتاب اسناد و مدارک سلطنتی را در اختیار داشت دارای این عنوان بود. در انگلستان رئیس دادگاه انصاف و بعدها به نائب مسئول دستگاه قضایی، رئیس مجلس اعیان و رئیس شرفانی دانشگاه را chancellor می نامیدند.

در عهد صفویان وزیر مَهر همسره نزد شاه می نشستند. در این دوران مَهر داران شاه سه تن بوده اند: یکی مقرب الخاقان مَهر دار مَهر همایون یا وزیر مَهر، دیگری مَهر دار مَهر همایون و مَهر همایون سوم مَهر دار قشون. امروزه در کشورهای آلمان و اتریش chancellor به صدراعظم و در سوئیس به مَهر دار اطلاق می شود که تاه نقش مشاور تشریحی فدرال در امر برنامه ریزی را عهده دار است و گاه دیگر عملکرد شورای فدرال را به مجلس فدرال گزارش، مسترزار پرونده احدم امور مطبوع و جریان اطلاع رسانی داخلی بین شورای فدرال و ایالت ها را تسهیل می نماید. در ضمن امروزه به دفت سفارت سرپرست Chanceliere و به مسئول دفتر نیز Chancellor گفته می شود [مترجم].

۴- قانون فدرال جزئیات سازماندهی مُهر داری را تعیین می‌کند.

۴- دادگاه فدرال

اصل صد و ششم

۱- دستگاه قضایی فدرال دارای یک دادگاه فدرال است.

۲- به علاوه یک هیئت منصفه برای رسیدگی به امور کیفری نیز وجود دارد (اصل صد و دوازدهم).

اصل صد و هفتم

۱- مجلس فدرال ضمن انتصاب اعضای ثابت و علی‌البدل دادگاه فدرال، به آشنایی اعضای مزبور با سه زبان رسمی کنفدراسیون نیز عنایت دارد.

۲- قانون، سازمان دادگاه فدرال و بخش‌های آن، تعداد اعضای ثابت و علی‌البدل این دادگاه، مدت خدمت و حقوق و مزایای ایشان را تعیین می‌کند.

اصل صد و هشتم

۱- هر شهر و ندر سوئسی واجد شرایط انتخاب در شورای ملی می‌تواند به عنوان عضو دادگاه فدرال منصوب شود.

۲- اعضای مجلس و شورای فدرال و مسئولین برگزیده ایشان نمی‌توانند توأمأً به عضویت دادگاه فدرال درآیند؛

۳- اعضای دادگاه فدرال در طول دوره خدمت‌شان نمی‌توانند چه در خدمت کنفدراسیون و چه در خدمت ایالت به سایر مشاغل بپردازند یا حرفه دیگری را پیش گیرند یا به کار دیگری روی آورند.

اصل صد و نهم

دادگاه فدرال مُهر داری خود را تشکیل می‌دهد و اعضای آن را نیز منصوب می‌نماید.

اصل صد و دهم

۱- دادگاه فدرال صلاحیت رسیدگی به اختلافات مشروحه ذیل را داراست:

۱- اختلاف بین کنفدراسیون و ایالت‌ها؛

۲- اختلاف بین کنفدراسیون از یک سو و اتحادیه‌های صنفی یا اشخاص از سوی دیگر، در صورت مدعی بودن اتحادیه‌های صنفی یا اشخاص مزبور و رسیدن اختلاف به حدی از اهمیت که مجموعه قوانین فدرال تعیین می‌کند؛

۳- اختلاف بین ایالت‌ها؛

۴- اختلاف بین ایالت‌ها از یک سو و اتحادیه‌های صنفی و اشخاص از سوی دیگر، در صورت درخواست یکی از طرفین و رسیدن اختلاف به حدی از اهمیت که مجموعه قوانین فدرال تعیین می‌کند.

۲- دادگاه فدرال صلاحیت رسیدگی به اختلافات مربوط به افراد فاقد تابعیت و همچنین اختلافات بین شهروندان ایالت‌ها در امر حقوق شهروندی را نیز داراست.

اصل صد و یازدهم

در صورتی که طرفین بر تقاضای خود از دادگاه توافق نمایند و دادخواست‌های مورد اختلاف به حدی از اهمیت که مجموعه قوانین فدرال تعیین می‌کند برسد، دادگاه فدرال موظف است به دادخواست‌های دیگر

نیز رسیدگی کند.

اصل صد و دوازدهم

دادگاه فدرال، با کمک هیئت منصفه‌ای که نسبت به واقعیات رأی می‌دهد، صلاحیت رسیدگی به دعاوی

کیفری در موارد ذیل را داراست:

- ۱- خیانت‌های بزرگ به کنفدراسیون، شورش یا خشونت علیه مقامات فدرال؛
- ۲- جنایات یا جنحه علیه حقوق مردم؛
- ۳- جنایات یا جنحه‌های سیاسی که علت یا نتیجه ناآرامی باشد که مستلزم دخالت مسلحانه فدرال شود؛
- ۴- امور محوله به کارگزارانی که یک مقام فدرال آنان را منصوب کرده باشد و از آنان به دادگاه فدرال شکایت شود.

اصل صد و سیزدهم

۱- دادگاه فدرال همچنین صلاحیت رسیدگی به موارد ذیل را داراست:

- ۱- تعارض صلاحیت بین مقامات فدرال از یک سو و مقامات ایالت‌ها از سوی دیگر؛
- ۲- اختلاف در موارد مربوط به حقوق عمومی بین ایالت‌ها؛
- ۳- اقامه دعوی علیه تجاوز به حقوق اساسی شهروندان و اقامه دعوی اشخاص حقیقی علیه نقض موافقت نامه‌ها یا معاهدات؛

۲- مجموعه قوانین فدرال نوع دعاوی اداری را تعیین می‌نماید. در تمامی موارد مذکور دیوان فدرال قوانین و مصوبات مجلس فدرال و مصوبات دارای ارزش کلی این مجلس، را به کار خواهد بست و طبق معاهدات مصوب این مجلس عمل خواهد کرد.

اصل صد و چهاردهم

مجموعه قوانین فدرال می‌تواند، علاوه بر موضوعات مذکور در اصول صد و دهم و صد و سیزدهم، دعاوی دیگری را در صلاحیت دادگاه فدرال قرار دهد و به ویژه می‌تواند اختیارات لازم جهت اجرای یکسان قوانین پیش‌بینی شده در اصل شصت و چهارم را به دادگاه فدرال اعطا نماید.

۴ مکرر - صلاحیت اداری و انضباطی فدرال

اصل صد و چهاردهم - مکرر - ۱

۱- دادگاه اداری فدرال صلاحیت رسیدگی به آن دسته از دعاوی اداری فدرال را دارد که مجموعه قوانین فدرال به عهده این دادگاه واگذار نموده است.

۲- دادگاه اداری فدرال صلاحیت رسیدگی به امور انضباطی ادارات فدرال را که مجموعه قوانین فدرال به عهده این دادگاه واگذار نموده است، مانند آن دسته از دعاوی که به دادگاه ویژه ارجاع نمی‌شود، دارد.

۳- دادگاه اداری فدرال باید مجموعه قوانین فدرال و معاهداتی را که مجلس فدرال تصویب نموده است اجرا کند.

۴- به شرط تأیید مجلس فدرال، ایالت‌ها می‌توانند صلاحیت رسیدگی به اختلافات اداری مربوط به ایالت‌ها را به دادگاه اداری فدرال اعطا نمایند. قانون، سازمان حوزه قضائی، اداری و انضباطی و آیین دادرسی آن را تنظیم می‌نماید.

۵- مقررات متفرقه

اصل صد و پانزدهم

کلیه امور مربوط به محل اجلاس ارکان کنفدراسیون در حیطهٔ مجموعه قوانین فدرال است.

اصل صد و شانزدهم

۱- زبان‌های آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی و رومانس^۱ زبان‌های ملی کشور سوئیس هستند.

۲- زبان‌های آلمانی، فرانسوی و ایتالیایی به عنوان زبان‌های رسمی کنفدراسیون اعلام شده‌اند.

اصل صد و شانزدهم - مکرر - ۱^۲

۱- روز اول اوت، روز جشن ملی در تمامی کنفدراسیون اعلام می‌شود.

۲- به منظور تأمین حق کار، این روز مثل روز یکشنبه تلقی می‌شود. قانون جزئیات امور را تنظیم می‌کند.

اصل صد و هفدهم

کارگزاران فدرال در قبال عملکرد خود مسئول هستند. مجموعه قوانین فدرال باید تبعات این مسئولیت را تعیین کند.

فصل سوم - بازنگری قانون اساسی فدرال

اصل صد و هجدهم

قانون اساسی فدرال می‌تواند در هر زمان، به‌طور کلی یا جزئی، مورد بازنگری قرار گیرد.

اصل صد و نوزدهم

بازنگری کامل به نحوی که برای وضع مجموعه قوانین فدرال مقرر شده است، انجام می‌پذیرد.

اصل صد و بیستم

۱- هنگامی که یکی از شوراهای مجلس فدرال بازنگری کامل قانون اساسی را تصویب نماید و شورای دیگر با آن موافق نباشد، یا زمانی که ۱۰۰,۰۰۰ شهروند سوئیس دارای حق رأی خواستار بازنگری کامل شوند، در این صورت مسئله این که آیا بازنگری کامل قانون اساسی فدرال انجام شود یا خیر، در هر یک از دو مورد، به آرای مردم سوئیس به صورت آری یا نه ارجاع می‌شود.

۲- چنانچه در هر یک از موارد مذکور اکثریت شهروندان سوئیس که در رأی‌گیری شرکت می‌کنند خواستار بازنگری شوند، هر دو شورا باید از نو انتخاب شوند تا کار بازنگری کامل را به عهده بگیرند.

اصل صد و بیست و یکم

۱- بازنگری جزئی را می‌توان یا با پیروی از شیوه ابتکار عمومی از سوی مردم یا به شیوه‌ای که برای وضع مجموعه قوانین فدرال تصریح شده است، به عمل آورد.

۲- شیوه ابتکار عمومی مبتنی بر تقاضایی از سوی ۱۰۰,۰۰۰ شهروند سوئیس دارای حق رأی و خواستار تصویب اصلی جدید یا فسخ یا اصلاح اصول معینی از قانون اساسی، مجراست.

۳- در شیوه ابتکار عمومی چنانچه مقررات مختلف متعددی جهت بازنگری یا الحاق به قانون اساسی فدرال پیشنهاد شود، هر یک از این مواد باید موضوع درخواست اقدام جداگانه را تشکیل دهند.

۱- زبان رومانس - رومانس (ROMANÇHE) نامیده می‌شود. اهالی ایالت گریزون به این زبان سخن می‌گویند و از سال ۱۹۳۸ این زبان در زمرهٔ زبان‌های رسمی کنفدراسیون سوئیس قرار دارد. [مترجم]
۲- نگاه کنید به اصل بیستم مقررات انتقالی.

۴- درخواست اقدام می‌تواند به شکل پیشنهادی در قالب عبارات کلی، یا به صورت طرحی با ذکر جزئیات، ارائه گردد.

۵- وقتی طرح ابتکار عمومی در قالب عبارات کلی باشد، مجالس فدرال در صورت تصویب آن، در جهت تعیین شده اصلاحات جزئی را به عمل می‌آورند و برای قبول یا رد مردم و ایالت‌ها آن را به رأی می‌گذارند. برعکس در صورتی که مجانس طرح را تصویب نکنند، مسئله بازنگری جزئی برای رأی‌گیری به مردم ارائه می‌گردد؛ چنانچه اکثریت شهر و ندان سوئسی شرکت کننده در رأی‌گیری به اصلاحیه رأی مثبت دهند، در این صورت مجلس فدرال بر اساس تصمیم مردم اقدام به اصلاح می‌نماید.

۶- هنگامی که طرح یا شرح جزئیات پیشنهاد شود و مجلس فدرال آن را تصویب نماید، طرح مزبور برای قبول یا رد به مردم و ایالت‌ها ارائه می‌گردد. در صورت عدم توافق مجلس فدرال خود طرح جداگانه‌ای تهیه، یا می‌تواند به مردم توصیه کند طرح مزبور را رد کنند و طرح متقابل یا پیشنهاد رد شده خود را همراه با طرح ابتکار عمومی به رأی گذارد.

اصل صد و بیست و یکم - مکرر - ۱

۱- هنگامی که مجلس فدرال طرح متقابل را تدوین نمود. در برگه رأی سه سؤال برای رأی‌دهندگان مطرح می‌شود. هر رأی‌دهنده می‌تواند به‌طور کلی اعلام نماید که:

۱- آیا طرح ابتکار عمومی را بر قانون موجود ترجیح می‌دهد؛

۲- آیا طرح متقابل را بر قانون موجود ترجیح می‌دهد؛

۳- کدام یک از این دو متن، در صورتی که مردم و ایالت‌ها هر دو متن را بر قانون موجود ترجیح دهند، به اجرا درآید.

۲- اکثریت مطلق برای هر یک از سؤالات به‌طور جداگانه تعیین می‌شود. سؤالات بدون پاسخ در این امر لحاظ نمی‌شود.

۳- هنگامی که طرح ابتکار عمومی و طرح متقابل به یک اندازه مورد پذیرش واقع شوند نتیجه پاسخ‌های ارائه شده به سؤال سوم تعیین کننده است. متنی که در این سؤال بیشترین آرا را از دهندگان و بیشترین ایالت‌ها را به خود اختصاص دهد، به اجرا در می‌آید. در عوض، چنانچه یکی از متون در سؤال سوم بیشترین آرای رأی‌دهندگان و متن دیگر بیشترین آرای ایالت‌ها را به خود اختصاص دهد هیچ یک از متون به اجرا در نمی‌آیند.

اصل صد و بیست و دوم

قانون فدرال روش برخورد با طرح‌های ابتکار عمومی و رأی‌گیری در مورد بازنگری قانون اساسی فدرال را تعیین می‌نماید.

اصل صد و بیست و سوم

۱- قانون اساسی بازنگری شده، با بخش‌های بازنگری شده آن هنگامی لازم‌الاجرا می‌گردد که اکثریت شهر و ندان سوئسی شرکت کننده در رأی‌گیری و اکثریت دول آن را پذیرفته باشند.

۲- برای محاسبه اکثریت دول، رأی نیم ایالت به عنوان نصف رأی به حساب می‌آید.

۳- نتیجه رأی‌گیری عمومی در هر ایالت به عنوان رأی آن ایالت به حساب می‌آید.

مقررات انتقالی^۱

اصل اول

۱- مادامی که کنفدراسیون واقعاً بار مسئولیت هزینه‌های نظامی را که ایالت‌ها متحمل می‌شوند به عهده نگیرد، عایدات پستی و عوارض گمرکی براساس مقررات جاری توزیع می‌گردد.

۲- به علاوه مجموعه قوانین فدرال ضرر و زیان احتمالی به خزانه داری عمومی ایالت‌ها، ناشی از اصلاحات اصول بیستم، سی ام، بند دوم اصل سی و ششم و قسمت ث^۲ اصل چهل و دوم را به‌طور تدریجی به ایالت‌های متضرر پرداخت می‌کند و پرداخت مزبور پس از یک دوره انتقالی چندساله به رقم کلی ضرر و زیان می‌رسد.

۳- هنگامی که اصل بیستم لازم‌الاجرا گردد، ایالت‌هایی که تعهدات نظامی خود را اجرا ننموده‌اند، موظف به اجرای تعهدات مزبور به هزینه خود هستند؛ تعهدات مزبور به موجب قانون اساسی پیشین و قوانین فدرال بر ایالت‌های مورد نظر وضع شده است.

اصل دوم

آن دسته از مقررات قوانین فدرال، معاهدات و قوانین اساسی یا سایر قوانین ایالت‌ها، که مغایر با قانون اساسی جدید فدرال هستند، به علت تصویب قانون اساسی حاضر، یا توشیح قوانینی که این قانون پیش‌بینی می‌کند، فاقد اعتبار خواهند بود.

اصل سوم

مقررات جدید مربوط به سازمان و صلاحیت دادگاه فدرال فقط پس از توشیح قوانین مربوطه فدرال لازم‌الاجرا می‌شود.

اصل چهارم

۱- به ایالت‌ها برای اجرای آموزش ابتدایی رایگان یک مهلت پنج ساله اعطا می‌شود. (اصل بیست و هفتم)
۲- به ایالت‌ها مهلتی پنج ساله به منظور اجرای نظام متفرقه مطابق با مکرر بند سوم اصل بیست و هفتم داده می‌شود. شورای فدرال مقرراتی را براساس بند چهارم اصل بیست و هفتم تنظیم و مجلس فدرال را نیز از این امر آگاه می‌کند.

اصل پنجم

اشخاص دارای مشاغل آزاد که قبل از توشیح قانون فدرال، که در اصل سی و سوم پیش‌بینی شده است، از ایالت، یا از یکی از مقامات دارای نمایندگی چندین ایالت، گواهی صلاحیت دریافت کرده باشند، می‌توانند در سراسر کنفدراسیون به حرفه خود بپردازند.

اصل ششم

در سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ سهم ایالت‌ها در درآمد مالیاتی معافیت از خدمت سربازی، بالحفاظ حق العمل دریافتی، بالغ بر ۳۱ درصد کل درآمد خالص می‌شود؛ از اول ژانویه ۱۹۶۱ حق العمل دریافتی معادل ۲۰ درصد کل درآمد خالص جایگزین سهم مزبور می‌گردد. مقررات مغایر موجود در قوانین فدرال از درجه اعتبار ساقط اند.

۱. همچنین نگاه کنید به مقررات انتقالی اصول دوازدهم و بیست و چهارم - مکرر - ۵، بند پنجم.
۲. نگاه کنید به اصل چهل و دوم متن اصلی (مجموعه رسمی قوانین و مصوبات قانونی کنفدراسیون سوئیس سال‌های ۱۸۴۸ تا ۱۸۷۴، ش. ۱، ص ۳).

اصل هفتم

- ۱- حق تمبر اسناد مورد استفاده در حمل و نقل از ابتدای ژانویه ۱۹۵۹ دریافت نگردید. مقررات مغایر موجود در مجموعه قوانین فدرال از درجه اعتبار ساقطاند.
- ۲- ایالت هانمی توانست از اسناد مورد استفاده در حمل و نقل توشه، حیوانات و کالا باراه آهن فدرال و از طریق مؤسسات حمل و نقل که کنتراستسیون به آنها امتیازی واگذار نموده است حق تمبر با حق ثبت دریافت نمایند.

اصل هشتم

- ۱- برخلاف بند ششم اصل چهارم و یکم - مکرر - ۲، شورای فدرال مقررات اجرائی مربوط به مالیات کل درآمد پیش بینی شده در قسمت الف بند اول و بند سوم اصل چهارم و یکم - مکرر - ۲ را تدوین می نماید؛ مقررات موجود قابلیت جرائی یافتن قوانین فدرال مجراست.
- ۲- در مورد مقررات اجرائی اصول ذیل مجراست:
 - الف- موارد ذیل مشمول مالیات است:
 - ۱- واگذاری اموال و هزینه خدماتی که یک مؤسسه در سرتاسر کشور سوئیس پرداخت می کند / ضمن لحاظ واگذاری به خود؛
 - ۲- واردات کالاها.
 - ب- موارد ذیل بدون حق کسر مالیات اولیه، مشمول مالیات نمی شود:
 - ۱- هزینه های پرداختی از سوی مؤسسات پست و تلگراف و تلفن سوئیس، به استثنای جابه جایی افراد و تلفن راه دور؛
 - ۲- هزینه های مربوط به بهداشت؛
 - ۳- هزینه های مربوط به مددکاری اجتماعی و بیمه؛
 - ۴- هزینه های مربوط به خدمات پرورشی، آموزشی و حمایتی از اطفال و جوانان؛
 - ۵- هزینه خدمات فرهنگی؛
 - ۶- عملیات بیمه ای؛
 - ۷- عملیات مربوط به بازار پول و بازار سرمایه، به استثنای چرخش دارایی ها و بازپرداخت بدهی ها؛
 - ۸- واگذاری، اجاره بلندمدت و حق بهره برداری از اموال غیر منقول؛
 - ۹- شرط بندی، لاتاری و سایر بازی های قمار؛
 - ۱۰- هزینه های خدماتی که سازمان های غیر انتفاعی از طریق اقساطی که طبق اساسنامه سازمان تعیین شده است، برای اعضای خود فراهم می نمایند؛
 - ۱۱- واگذاری تمیزهای رسمی سوئیس که کاربرد اداری دارد، به منظور حمایت بیطرفی رقابتی یا ساده کردن دریافت مالیات، عوارض اختیاری عملیات تجاری فوق الذکر با حق کسر مالیات اولیه می تواند مجاز باشد.
- پ- موارد ذیل با حق کسر مالیات اولیه، از مالیات معاف است:
 - ۱- صادرات کالاها و هزینه خدمات انجام شده در خارج از کشور؛
 - ۲- هزینه خدمات مرتبط به صادرات و ترانزیت کالا.

- ت- اشخاص ذیل مشمول مالیاتی که عملیات تجاری را در خاک سوئیس پرهزینه می‌سازد، نمی‌شوند:
- ۱- مؤسساتی که کل درآمد سالانه مشمول مالیات آنها بیش از ۷۵۰۰۰۰ فرانک نیست؛
 - ۲- مؤسساتی که کل درآمد سالانه مشمول مالیات آنها بیش از ۲۵۰۰۰۰۰ فرانک نیست، مشروط بر این که پس از کسر مالیات اولیه، مبالغ مالیات باقی مانده منظمأ از ۴۰۰۰۰ فرانک در سال تجاوز نکند؛
 - ۳- کشاورزان، جنگلداران و باغدارانی که کلیه محصولات نباتی و دامی خود را سلف فروشی می‌کنند؛
 - ۴- هنرمندان نقاش و مجسمه ساز برای آثار هنری که شخصاً خلق کرده‌اند.
- به منظور حفظ بیطرفی رقابتی با ساده سازی دریافت مالیات، تبعیت اختیاری مؤسسات و اشخاص فوق‌الذکر، با حق کسر مالیات اولیه می‌تواند مجاز شود.
- ث- در موارد ذیل مالیات بالغ می‌شود بر:
- ۱- ۱/۹ درصد از عملیات تجاری مربوط به اموال ذیل، که شورای فدرال می‌تواند به شیوه‌ای کاملاً دقیق آن را تعریف نماید و همچنین مربوط به صادرات آنها:
 - آب کانال کشی شده؛
 - مواد غذایی جامد و مایع. به استثنای مشروبات الکلی؛
 - دام، مرغان خانگی، ماهیان؛
 - غلات؛
 - بذور، غده و پیازهای قابل کاشت، گیاهان زنده، قلمه، گیاه پیوندی و همچنین گل‌های چیده شده و شاخه‌ها، حتی به صورت دسته‌های گل، تاج گل و سایر بسته‌بندی‌های مشابه؛
 - علوفه، اسیدهای خاص نگهداری سبزیجات؛ علوفه و کاه که بر کف اصطبل بریزند، کود شیمیایی و مقدمه سازی برای حفاظت از گیاهان؛
 - دارو؛
 - روزنامه‌ها، مجلات و کتب و همچنین سایر مواد چاپ شده در محدوده تعیین شده از طرف شورای فدرال؛
 - ۲- ۱/۹ درصد از فعالیت‌های سازمان رادیو و تلویزیون، چنانچه فعالیت‌های مزبور تجاری نباشند؛
 - ۳- ۶/۲ درصد از واگذاری‌ها و صادرات سایر کالاها و همچنین از سایر هزینه‌های مشمول مالیات.
- ج- مالیات معوض محاسبه می‌شود، چنانچه الزام مزبور وجود نداشته باشد یا صادرات مدنظر باشد، مالیات براساس ارزش کالا یا هزینه خدمات محاسبه می‌گردد.
- چ- مؤدیان مالیاتی عبارتند از:
- ۱- مؤدی مالیاتی که اقدام به عملیات تجاری مشمول مالیات می‌نماید؛
 - ۲- دریافت کننده هزینه خدمات از خارج از کشور در مواردی که هزینه آنها بیش از ۱۰,۰۰۰ فرانک در سال باشد؛
 - ۳- کسی که، ضمن صادر کردن کالا، مشمول حقوق گمرکی یا موظف به اعلام به گمرک است؛
 - ح- مؤدی مالیاتی براساس کل درآمد مشمول مالیات بدهکار مالیاتی محسوب می‌شود؛ چنانچه وی کالاهایی را که به او واگذار شده و هزینه خدماتی را که برای وی فراهم آمده است به عملیات تجاری مشمول مالیات در سوئیس یا خارج از کشور اختصاص دهد، می‌تواند به عنوان مالیات اولیه در بررسی حساب خود

موارد ذیل را کسر نماید:

- ۱- مالیاتی که سایر مؤدیان به وی منتقل نموده‌اند و
- ۲- مالیات پرداخت شده به هنگام واردات کالا یا برای اخذ هزینه خدمات از خارج از کشور؛
- ۳- ۱/۹ درصد از بهای تولیدات طبیعی که وی از مؤسساتی که طبق قسمت ۳ شماره ۳ مشمول مالیات نیستند اخذ نموده است. هزینه‌های غیر تجاری حق کسر از مالیات اولیه را به وجود نمی‌آورند.
- ۴- دوره بررسی محاسبات مالیاتی و مالیات اولیه، طبق قاعده کلی، در طول فصل‌های رسمی انجام می‌پذیرد.
- ۵- مقرراتی برای عوارضی تحت عنوان مالیات برکل درآمد طلای مسکوک، طلای زیستی و همچنین کالاهایی که موجب مخارج مالیاتی خاص می‌شوند تدوین می‌گردد.
- ۶- می‌توان کاهش را توصیه نمود. مشروط بر این که درآمدهای مالیاتی و شرایط رقابتی را به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار ندهد و پیچیدگی‌های افراطی کسورات سایر مؤدیان را به دنبال نداشته باشد.
- ۷- مقررات خاص مربوط به تنبیه مؤسسات، پیش‌بینی شده در اصل هفتم مجموعه قوانین فدرال در مورد حقوق کیفری اداری می‌تواند، در صورتی که جریمه نقدی بیش از ۵۰۰۰ فرانک مدنظر باشد، اجرا شود.
- ۸- شورای فدرال انتقال را از نظام فعلی به نظام جدید تضمین می‌کند. شورای مزبور همچنین می‌تواند برای دوره اولیه مربوط به اجرای نظام جدید، کاهش مالیات اولیه که هزینه سرمایه‌گذاری را سنگین می‌کند، محدود یا آزاد نماید.

- ۹- برای پنج سال نخست اخذ مالیات از کل درآمد، پیش‌بینی شده در بند سوم اصل چهل و یکم - مکرر - ۲، ۵ درصد درآمد سالیانه مالیات مزبور مورد کاهش هزینه‌های بیمه بیماری به نفع طبقات کم درآمد قرار می‌گیرد. مجانس فدرال در مورد شیوه بعدی استفاده از سهم مورد کاهش مالیات برکل درآمد اعلام نظر می‌کنند.

اصل هشتم - مکرر - ۱

اضافه مالیات برکل درآمد براساس شماره ۱ - مکرر - بند اول اصل چهل و یکم - مکرر - ۲ قانون اساسی به ترتیب ذیل است:

- الف - ۱ امتیاز برای مالیات‌های مندرج شماره‌های ۱ و ۲ قسمت ث) از بند دوم اصل هشتم مقررات انتقالی؛
- ب - ۳ امتیاز برای مالیات‌های مندرج شماره ۳ قسمت ث) از بند دوم اصل هشتم مقررات انتقالی؛
- پ - ۱ امتیاز برای مالیات‌های مندرج شماره ۳ قسمت ج) از بند دوم اصل هشتم مقررات انتقالی.

اصل هشتم - مکرر - ۲

کنفدراسیون می‌تواند از طریق قانونی مالیاتی کمتر از مالیات برکل درآمد ناشی از جهانگردی در خاک سوئیس، متناسب با هزینه‌هایی که بیگانگان در گسترده‌ای وسیع خرج می‌کنند همچنین به نسبتی که وضعیت رقابتی ایجاد می‌نماید، تعیین کند.

اصل نهم

ضمن لحاظ مجموعه قوانین فدرال که در اصل چهل و یکم - مکرر - ۲ پیش‌بینی شده است، مقرراتی که در ۳۱ دسامبر سال ۱۹۹۴ در مورد مالیات بر مشروبات اعمال می‌شد، همچنان مجراست:

۱ نکته‌کننده مجموعه رسمی قوانین و مصوبات قانونی کنفدراسیون سوئیس، سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۸۷۴، ش. ۳۱۳.

اصل دهم

۱- تا برقراری نظام جدید تعادل مالی بین ایالت‌ها، حق العمل فعلی ایالت‌های دارای ۱۲ درصد درآمد خالص مالیات پیش پرداخت شده از اول ژانویه سال ۱۹۷۲ جایگزین سهمیه ایالت‌های دارای ۶ درصد درآمد می‌شود؛ مجموعه قوانین فدرال شیوه توزیع بین ایالت‌ها را مشخص می‌کند.

۲- در سال‌هایی که میزان مالیات پیش پرداخت شده به بیش از ۳۰ درصد بالغ شود، سهم ایالت‌ها به ۱۰ درصد افزایش خواهد یافت.

اصل یازدهم

۱- مادامی که هزینه‌های بیمه فدرال طبق بند دوم اصل سی و چهارم - مکرر - ۳ پاسخگوی نیازهای حیاتی نباشد، کنفدراسیون اعاناتی را به منظور سرمایه‌گذاری هزینه‌های تکمیلی به ایالت‌ها پرداخت می‌نماید. کنفدراسیون همچنین می‌تواند به این منظور از منابع مالیاتی مختص به سرمایه‌گذاری در امر بیمه درال استفاده کند. شرکت وسیع مقامات عالی که در قسمت ب) و پ) از بند دوم اصل سی و چهارم - مکرر - ۳ تعیین شده است، باید با توجه به اعانات فدرال و شرکت متناسب ایالت‌ها محاسبه شود.

۲- بیمه شدگان بیمه تأمین آتیه حرفه‌ای اجباری، طبق بند سوم اصل سی و چهارم - مکرر - ۳، می‌توانند پس از دوره‌ای که مدت آن، از تاریخ اجرای قانون از ده تا بیست سال براساس اهمیت درآمد آنها متغیر است از حداقل حمایت قانونی برخوردار شوند. قانون چرخه افراد متعلق به نسل نخست و حداقل هزینه اعطایی در طول دوران انتقالی را تعیین می‌نماید؛ قانون از رهگذر مقررات ویژه، به وضعیت بیمه شدگانی که کارفرما تدابیر تأمین آتیه‌ای را پیش از اجرای قانون به نفع آنان اتخاذ کرده است توجه می‌نماید. مستمری‌های لازم برای پاسخگویی به هزینه‌ها با حداکثر تأخیر باید پس از پنج سال به سطح مطلوب خود برسد.

اصل دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم

منسوخ شده‌اند.

اصل هفدهم

۱- کنفدراسیون، بابت استفاده از جاده‌هایی که به روی حمل و نقل عمومی باز است، از خودرها و یدک کش‌های ثبت شده در سوئیس و خارج از کشور و دارای بیش از ۳/۵ تن وزن، عوارض دریافت می‌کند.

۲- عوارض مزبور به شرح زیر خواهد بود:

الف- برای کامیون‌ها و تریلی‌های

دارای ۳/۵ تا ۱۱ تن وزن	۵۰۰ فرانک
دارای ۱۱ تا ۱۶/۵ تن وزن	۱۵۵۰ فرانک
دارای ۱۶ تا ۱۹ تن وزن	۲۰۰۰ فرانک
دارای بیش از ۱۹ تن وزن	۳۰۰۰ فرانک

ب- برای یدک‌کش‌های

دارای ۳/۵ تا ۸ تن وزن	۵۰۰ فرانک
دارای ۸ تا ۱۰ تن وزن	۱۰۰۰ فرانک
دارای بیش از ۱۰ تن وزن	۱۵۰۰ فرانک
پ- برای اتوبوس‌های بین شهری	۵۰۰۰ فرانک

۳- شورای فدرال، عوارض خاصی برای خودروهایی که فقط بخشی از سال را در تردد هستند، تعیین می‌نماید؛ شورا همچنین هزینه دریافت آن را نیز لحاظ می‌کند.

۴- شورای فدرال از طریق تصویب نامه قانونی عملیات اجرایی این امر را تنظیم می‌کند. شورا می‌تواند برای خودروهای خاص مبالغی را براساس بند دوم تعیین، برخی از خودروها را از عوارض معاف و به‌خصوص برای تردد در مناطق مرزی مقررات خاصی را تدوین نماید. مقررات مزبور نباشد امتیازی را به زیان خودروهای ثبت شده در داخل برای خودروهای ثبت شده در خارج از کشور در نظر بگیرند. شورای فدرال می‌تواند مجازات‌هایی را برای موارد نقض مقررات پیش‌بینی کند. ایالت‌ها عوارضی را از خودروهای ثبت شده در داخل کشور دریافت می‌دارند.

۵- این اصل تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ اعتبار دارد.

اصل هجدهم

۱- کنفدراسیون، بابت استفاده از راه‌های درجه یک و درجه دو داخلی، از کلیه خودروها و تریلی‌های ثبت شده در سوئیس یا خارج از کشور که وزن آنها از ۳/۵ تن تجاوز نکند، عوارض سالیانه‌ای معادل ۳۰ فرانک دریافت می‌دارد.

۲- شورای فدرال از طریق تصویب نامه قانونی عملیات اجرایی این امر را تنظیم می‌کند. شورای مزبور می‌تواند برخی از خودروها را از عوارض معاف و برای زیان خودروهای سوئیس برای خودروهای ثبت شده در خارج از کشور امتیازی را در نظر بگیرد. شورای فدرال می‌تواند مجازات‌هایی را برای موارد نقض مقررات پیش‌بینی کند. ایالت‌ها عوارضی را از خودروهای ثبت شده در سوئیس دریافت و بر رعایت دستورات از سوی کلیه رانندگان نظارت می‌کنند.

۳- این اصل تا ۳۱ دسامبر سال ۱۹۹۴ اعتبار دارد.

اصل نوزدهم

طرف ده سال پس از تصویب مقررات انتقالی حاضر از سوی مردم و ایالت‌ها، هیچ مجوز کلی یا مجوز ساخت، آغاز به کار یا بهره‌برداری براساس حقوق فدرال در مورد تأسیسات جدید در امر تولید انرژی اتمی (مراکز هسته‌ای یا راکتورهای تولید حرارت) صادر نخواهد شد؛ تأسیساتی که مجوز پیش‌بینی شده در حقوق فدرال برای آنها پیش از ۳۰ سپتامبر سال ۱۹۸۶ صادر نشده است تأسیسات جدید تلقی می‌شوند.

اصل بیستم

۱- شورای فدرال اصل صد و شانزدهم - مکرر - را سه سال پس از تصویب آن از سوی مردم و ایالت‌ها مجرا می‌داند.

۲- شورای فدرال، تا دستیابی به قابلیت اجرایی اصلاحات مجموعه قوانین فدرال شرایط تفصیلی را از طریق تصویب نامه قانونی تنظیم می‌کند.

۳- روز عید ملی جزء اعیاد تعیین شده در بند دوم اصل هجدهم قانون کار ۱۳ مارس سال ۱۹۶۴ محسوب نمی‌شود.

اصل بیست و یکم

۱- کنفدراسیون بابت استفاده از راه‌هایی که به روی حمل و نقل عمومی باز است عوارض سالیانه‌ای را از

۱. شورای فدرال تاریخ اول ژوئن سال ۱۹۹۴ را به عنوان تاریخ مورد نظر تعیین کرده است.

خودروها و یدک کش های ثبت شده در سوئیس یا در خارج از کشور و دارای وزن کلی بیش از ۳/۵ تن دریافت می دارد.

۲- عوارض مزبور به شرح زیر خواهد بود:

الف- برای کامیون ها و تریلی های

- دارای بیش از ۳/۵ تن تا ۱۲ تن وزن ۶۵۰ فرانک
- دارای بیش از ۱۲ تا ۱۶ تن وزن ۲۰۰۰ فرانک
- دارای بیش از ۱۶ تا ۲۲ تن وزن ۳۰۰۰ فرانک
- دارای بیش از ۲۲ تن وزن ۴۰۰۰ فرانک

ب- برای یدک کش های

- دارای بیش از ۲/۵ تا ۸ تن وزن ۶۵۰ فرانک
- دارای بیش از ۸ تا ۱۰ تن وزن ۱۵۰۰۰ فرانک
- دارای بیش از ۱۰ تن وزن ۲۰۰۰ فرانک
- پ- برای اتوبوس های بین شهری ۶۵۰ فرانک

۳- میزان عوارض در حدی که هزینه های حمل و نقل جاده ای توجیه گر آن باشند، از طریق مصوبات وزارتی فدرال، دارای ارزش کنی همه پرسی ازاد، تنظیم می شود.

۴- به علاوه شورای فدرال می تواند، از طریق تصویب نامه قانونی، میزان عوارض خودروهای دارای بیش از ۱۲ تن وزن، مذکور در بند دوم را در مورد اصلاحات احتمالی طبقات اوزان تعریف شده در قانون مربوط به حمل و نقل جاده ای، تنظیم نماید.

۵- شورای فدرال، میزان عوارض برای خودروهایی که فقط بخشی از سال را در تردد هستند، تعیین می نماید؛ شورا همچنین هزینه دریافت را نیز لحاظ می کند.

۶- شورای فدرال، از طریق تصویب نامه قانونی، عملیات اجرایی را تنظیم می کند. شورا می تواند برای خودروهای خاصی مبالغی را براساس بند دوم تعیین، برخی از خودروها را از عوارض معاف و به خصوص قبرای تردد در قطب های مرزی مقررات خاص را تدوین نماید. مقررات مزبور نباید به زیان خودروهای سوئیس امتیازی را برای خودروهای ثبت شده در خارج از کشور در نظر بگیرند. شورای فدرال می تواند مجازات هایی را برای موارد نقض مقررات پیش بینی کند. ایالت ها عوارضی از خودروهای ثبت شده در سوئیس دریافت می دارند.

۷- از درآمد خالص عوارض، مانند عایدی مالیات اضافی به موجب مکرر - ۲، اصل سی و ششم، استفاده می شود.

۸- قانون می تواند دریافت عوارض مزبور را محدود یا حذف نماید.

۹- این اصل از اول ژانویه سال ۱۹۹۵ مجراست و در نهایت تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۴ اعتبار دارد.

اصل بیست و دوم

حمل و نقل کالاهایی که از طریق کشور، ترانزیت می شوند باید ظرف ده سال از تاریخ تصویب بند دوم اصل سی و ششم - مکرر - ۳ از طریق جاده به طریق راه آهن انتقال یابند.

این قانون در ۲۹ مه سال ۱۸۷۴ قابلیت اجرا یافت.